





مرکز تدوین آثار رهبر شهید

පළමු වරට

سخنانی از:

مرشد روشن ضمیر

کاری از:

مرکز تدوین آثار رهبر شهید

شناسنامه کتاب

عنوان کتاب: سخنانی از: مرشد روشن ضمیر؛

گردآورنده: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

طرح جلد و برگ آرای: عصمت الله احراری؛

سال چاپ: ۱۳۹۵ خورشیدی؛

نوبت چاپ: نخست؛

محل چاپ: کابل، افغانستان؛

موضوع: گزیده‌ای از سخنان رهبر شهید استاد برهان‌الدین ربانی؛

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه؛

شمار برگه‌ها: ۱۴۴؛

قطع: جیبی؛

بها: ۱۰۰ افغانی؛

چاپ‌خانه: بهیر؛



نشانی ما: صفحه رسمی آثار رهبر شهید؛

آدرس ایمیل: sh.rabbani1390@gmail.com

حق چاپ برای مرکز تدوین محفوظ است.

فهرست

۱۱.....	مقدمه
۱۳.....	سخنانی از: مرشد روشن ضمیر
۱۴۳.....	منابع و رویکردها

مقدمه

کتابچه‌ای را که در دست دارید؛ پیامد گزیده سخنان رهبر شهید است، که به مناسبت‌های مختلف، گفتند و یا نوشتند.

رسم بر این بوده که از میان نوشته‌ها و گفته‌های انبوه اندیشمندان و سخندانان بزرگ، گزیده‌ای از سخنان‌شان گزیده می‌شود و در اختیار خوانندگانی که به هر دلیل همه نوشته‌ها و گفته‌ها را در اختیار ندارند، قرار داده می‌شود.

«مرکز تدوین آثار رهبر شهید» هم با اقتدا به این سنت نیکو، اینک گزینه‌ای از گفتارها و نوشتارهای «مرشد روشن ضمیر» را رو دست شما می‌گذارد؛ تا از فیض این سخنان «پیر خرد» بهره‌برید.

البته این گفتارها، از هر چمنی سمنی دارد؛ یعنی این گزینه شامل ابعاد مختلفی می‌شود، استاد شهید در آن مورد حرفی گفتند.

به هر رو، - امیدمندیم که توانسته باشیم، با این کار کوچک -
در کنار دیگر کارهایی که کردیم - گوشه‌ای از رسالت بزرگمان
را ادا کرده باشیم و از خدای مهربان مهرورز رَجامندیم که
توفیق را رفیق راه ما کند.

وماذک علی الله بعزیز
مرکز تدوین آثار رهبر شهید

سخنانی از: مرشد روشن ضمیر

آنان که چون مرغان گم کرده آشیان، گاهی بر شاخی و زمانی بر شاخه دیگر، بی قرار و پرزنان پایین و بالا می جهند، اگر آماج صیادی نگردند، سنگ کودکی هم بال و پرشان را می ریزاند.

آنانی که داناتر و آگاه ترند، ضمیرشان بیدارتر است و مسئولیت شان سنگین تر.

آنچه که این عید به ما می آموزد، آن است که در برابر حوادث و ناهمگونی ها، چون دژ پولادین و چون کوه پر عظمت ایستادگی داشته و از فرمان الهی با تمام شور و شوق اطاعت کنید و اسماعیل وار با دل مملو از امید جهت تحقق آرمان والای انسانیت و به میان آمدن حکومت عدل الهی، برای هرگونه قربانی حاضر باشید.

آن‌گاه که خبر هول‌انگیز رحلت پیشوای محبوب را ابوبکر ~ می‌شنود، به خانهٔ عایشه U رفته و پرده از روی مبارک دور کرده و بوسهٔ پرمهرِ وداع از روی پیامبر می‌گیرد.

ابوبکر ~ از نخستین اصحاب باصفا و یاران راستین پیغمبر Y و از مردان بزرگ تاریخ بشریت است.

اجازه ندهیم که اختلافات قومی، گروهی و سلیقه‌ای، باعث ضعف و ناتوانی ما گردد.

احزابی که بریده و مجرد از مردم باشند، اثرگذار نیستند.

احساس به آزادی و داشتن استقلال و اراده در تصمیم‌گیری، سرآغاز سازندگی در انقلاب اسلامی است.

از غرور و خودخواهی سخت پرهیز باید کرد، مبارزی که به علم خود مغرور است، شخصی که به پرهیزگاری و تقوای خود می‌نازد، آن‌کس که به شخصیت خود می‌بالد، این‌ها همه موانع بزرگی را در راه دعوت ایجاد می‌کند.

اگر دانش انسانی توسط علم دینی، فرهنگ و ارزش‌های انسانی کنترل نشود، علم بلای بزرگی است که انسان امروز را تهدید می‌کند.

از مبانی بیداری، در جهان اسلام، اعتقاد به کرامت انسان و اهل ایمان است.

از نظر دین، زن معمار جامعه است و دستی که گهواره‌ای را شور می‌دهد، جهانی را - نیز - به حرکت درمی‌آورد.

از هوشیاری در مبارزه این است که مسلمان مبارز در اقدام به هر عملی، اولاً، امکانات خود را ارزیابی کند؛ چشم‌بسته و بدون هدف، در میان امواج سیلاب، شنا کردن هنر نیست.

استاد نیازی یکی از چهره‌های درخشان و فراموش‌ناشدنی تاریخ افغانستان و جهان اسلام است.

استعمار جهانی؛ در راه جداساختن مشرق و مغرب، کشورهای عربی و مسلمان، اسرائیل را به‌عنوان دانه سرطانی، در قلب دنیای عرب و اسلام غرس کرد و برای بقای این جرثومه خبیث، تروریست‌ها و آدم‌کشان حرفوی را از شرق و غرب با امکانات

وسیع فرستاد تا ملت بی دفاع فلسطین را از راه کشتارهای بی رحمانه و دهشت افگنی، از خانه و دیارشان بیرون ریزند.

نیروهای استعماری و فاسد و متجاوز می خواهند اسلام و مسلمانان را نابود کنند.

اسلام به انسان آزادی بخشید؛ تا خود را بشناسد و راه تکامل را انتخاب کرده و در مسیر آن تا احساس مسئولیت های الهی گام بردارد.

افغانستان تافته جدا بافته، از تحولات تاریخی در جهان نیست.

اکنون ما در موقعیتی قرار داریم که سکولاریزم و دموکراسی لیبرال، شکست خورده است و دیگر در تمام دنیا و به خصوص در دنیای اسلام و جهان عرب جذابیتی ندارد.

اگر امروز حکومت داریم، اگر برای بازسازی و ثبات برنامه هایی وجود دارد، همه این ها محصول قربانی های بی دریغ، به خصوص قیام شهروندان شهر کابل در سوّم حوت می باشد.

اگر امروز را به دیروز خود ارتباط ندهیم و به کارنامه‌های پدران و نیاکان نیک خود ارزش قایل نشویم، پس برای چه به افتخارات‌شان فخر می‌کنیم؟

اگر انسان مطابق با برنامه الهی تربیه شود، دیگر این کشمکش‌ها، برخوردها و جنگ‌ها در جامعه بشری به وجود نمی‌آید.

اگر انسان همیشه در حالت ترس باشد، جرأت کار را ندارد.

اگر انقلاب اسلامی تنها در زندان، دوازده هزار شهید داده، میلیون‌ها تن دیگر از پاسداران انقلاب، در سنگر نشسته و تا پیروزی انقلاب و برچیدن بساط کفر و الحاد متعهدانه می‌رزمند.

اگر سپاهی و افسر ما باورمند به ارزش‌های دینی نباشد، وطن دوست نباشد و به ارزش‌های ملی احترام نداشته باشد، از چه دفاع می‌کند؟!

اگر ما بتوانیم از طریق صلح، مشکلات کشورمان را حل کنیم، این راه احسن و کمال مطلوب است.

امام جعفر صادق ~ محور تجمّع همه ارزش های علمی، فرهنگی و اسلامی در فقه، حدیث، تفسیر، تصوّف و علوم عقلی بود.

امروز اگر در سطح ملی و بین المللی تحولاتی وجود دارد، ما باید خود را با همه این ها هماهنگ کنیم.

امروز انقلاب اطلاعات، از طریق ماهواره ها، اطلاعاتی را به خورد نسل جوان ما می دهد که به نفع جامعه و مردم ما و اصلاً به نفع جامعه انسانی نیست.

امروز هم، دشمنان دین، اخلاق و فرهنگ، آرام ننشسته اند؛ سلاح شان سنگین نیست، نرم است؛ اما خیلی هولناک و وحشت آور.

امیرالمؤمنین فاروق اعظم ~ دوّمین فرزند مکتب دوران ساز و حیات آفرین اسلام و از بزرگ ترین مردان تاریخ بشریت است.

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ~ گرانمایه ترین شاگرد مکتب اسلام و عالی ترین شخصیتی است که از بامدادان صباوت در دامان فرخنده رسالت بزرگ شده است.

امین غدار هم - که حلقه زنجیری از این نوکران جنایت کار است - بعد از اینکه همراه با تره کی دهها هزار فرزند مؤمن و اصیل افغان را کشت، سلسله کشتارهای جنایت بارش هنوز به شدت ادامه دارد.

انتقال مسالمت آمیز امانت قدرت در جامعه پر آشوب ما، طی چندین قرن اخیر، سابقه ندارد و آن را بایست متمدن ترین شیوه انتقال قدرت خواند.

انقلاب اسلامی افغانستان، میراث یتیم و مال بی کس و بی صاحب نیست؛ که از هر طرف دست های تاراجگران به سویش دراز گردد. هر کس هر آنچه که به دستش آید، به غارت برد.

اهل بیت هم، سیرت و راه و رسم شان، همان سیرت و راه و رسم پیغمبری بود.

انسان مزدور، اجیر بدارش است و مثل دست شکسته در گردن بدار آویزان است و هیچ کاری هم کرده نمی تواند.

اهمیت اتحاد در تشکیل دولت‌ها و در تشکیل ملت‌ها، به عنوان عنصر اساسی در فرهنگ اسلامی برمی تابد؛ لذا جایی که اختلاف است، در آن جا دولت اسلامی تشکیل نمی شود.

این ماییم که قربانی می شویم، کشور ما ویران می شود، مردم ما به ناحق به معرکه‌های باطل کشانده می شوند، معرکه‌هایی که اکثر آن اصلاً نه منطق دینی، نه ارزش اخلاقی و نه هم پیوند ملی دارند.

این‌هایی که به نام اهل مدرسه آدم می کشند، کودکان را استخدام می کنند، یقیناً که راه‌شان، راه اهل مدرسه نیست؛ این‌ها یک توطیه‌ای برای بدنام ساختن اهل مدرسه و علمای دینی و حتی مدارس دینی‌اند.

با مردم به عدالت رفتار کنید، دشمنی‌های سابقه را فراموش کنید.

باید چراغ علم و دانش را روشن بسازیم.

باید علمای امت، راجع به این پدیده جدیدی که هر مسلمانی را مباح‌الدّم می دانند و تکفیر می کنند، یک موضع بسیار روشن بگیرند.

باید کودکان، جوانان، زنان، خانواده‌های مظلوم ما، دیگر شاهد صحنه‌های خونین، غم‌انگیز و دردناک و شاهد فاجعه‌های دردناکی که هم توسط نیروهای بیرونی و هم توسط انفجار دادن‌های داخلی به میان می‌آید، نباشند.

باید مُبارزه برای اصلاح رأس قدرت و نظام سیاسی صورت بگیرد، اگر نظام سیاسی فاسد شد، آنجاست که دیگر هیچ اصلاحی ممکن نیست.

بدون اشتراک و رضایت مردم، هیچ دولت و نظامی نمی‌تواند، کاری انجام دهد.

بدون شک آزادی سرزمین‌مان، شکست اتحاد شوروی و آزادی ملت‌های زیادی از ثمراتِ بزرگ جهاد بود.

بر اثر یک سلسله عادات خرافی و بعضی بقایای زندگی دوران قبیله‌ای، نوعی تجاوز و تعدی بر حقوق زنان صورت می‌گیرد؛ این درحالی است که این کارها بیگانه از دین و ارزش‌های دینی ماست.

برای دنیا اطمینان می‌دهیم که اسلام خطری برای هیچ‌کس نیست. اسلام خطری برای آزادی و حقوق بشر نیست. اسلام دشمن آشتی‌ناپذیر با تروریسم و حامی دانش و آزادی است.

بسط علم و فرهنگ؛ از مقدس‌ترین و پرارزش‌ترین هدف‌های تربیتی اسلام است.

بعد از آزادی، کار بسیار عمده‌ای که صورت بگیرد، تعمیم علم و دانش باشد؛ تا قیمت و ارزش آزادی و قیمت برادری با همدیگر را مردم بفهمند.

به محضی که خارجی‌ها این‌جا آمدند، بودند کسانی که نه تنها کلاه و ریش و دستار را پس کردند؛ بلکه عقیده و دین، وجدان و همه چیز خود را فروختند و در بزمِ دیگران رقصیدند.

به‌جای اینکه با مأمورین استخباراتی در دهلیزهای تاریک گفت‌وگو شود، بهتر است در روشنایی و با زمامداران کشورهای جهان گفت‌وگو کنیم و قضیهٔ عادلانهٔ کشور خویش را بازگو کنیم.

پس از سقوط خلافت، تفکر زندگی‌سازی به رهبری امام حسن‌البنای شهید، تحت نام «اخوان‌المسلمین» به وجود آمد.

پیام من برای تمام تلویزیون‌ها و رسانه‌ها این است که نباید هیچ‌گاهی به نام آزادی مطبوعات، نشرات اخلاق‌کش و اخلاق‌سوز و مخالف ارزش‌های دینی را پخش بکنند.

پیامبر ما Y اولین خشتی را که در دولت اسلامی می‌گذارند، خشت تعمیر مسجد است.

پیشرفت اروپا، محصول تمدن اسلامی و محصول معارفی است که از جهان اسلام و از طریق «قُرْطُبَه» اَنْدَلُس و سایر مراکز علمی اسلامی به جهان غرب منتقل شد.

پیغمبر Y در جامعه، رسالت روشنفکری، رسالت دعوت و رسالت بیدارگری را به دوش داشت.

تصامیم در مورد آینده افغانستان، باید در داخل گرفته شود.

تمام فجایعی که امروز در جهان دیده می‌شود، همه آن‌ها زاده این است که انسان‌ها از محیط دین و از قوانین الهی دور شده‌اند.

تنها یک راه مُبارزَه پیگیرانه علیه کشت، تولید، قاچاق و استعمال مواد مُخدِّر وجود دارد که آن عبارت از تشریک مساعی و تأمین همکاری بین المللی است و بس.

توجّه به علم برای ما مسلمانان و برای ما افغان‌ها، جزئی از عقیده ماست.

توصیه من برای تجار ملی‌مان و همه عزیزانی که کم‌ترین سرمایه را دارند و به فکر سرمایه‌گذاری‌اند، این است که به‌خاطر به‌دست‌آوردن دین و دنیا، در بخش علم، سرمایه‌گذاری نکنند، با این کارشان، هم دین و هم دنیا را به‌دست می‌آورند.

جمعیت اسلامی افغانستان مخالفت خود را با اسلام‌ستیزی، مجاهدزدایی، پخش فحشا، فساد اخلاقی، تبلیغات سوء علیه ارزش‌های دینی و افتخارات ملی و تاریخی جداً اعلام می‌دارد.

جنگ در ذات خود مقدّس نیست؛ بلکه تقدّس جنگ به‌خاطر یک‌هدف می‌باشد، به‌خاطر آزادی، به‌خاطر درهم‌شکستن زنجیرهای اسارت و به‌خاطر نجات ملت‌های محکوم است.

جنگی که امروز جریان دارد، سلسله مداخلات خونینی است که از آغاز تجاوز شوروی شروع شده است.

جوانان ما مسئولیت دارند که به عنوان علم‌برداران صلح در میان مردم، برضد جنگ و جنگ‌جویی‌های بیهوده مُبارزه بکنند.

جوانان نیروی خلاق و قدرتمند امروز، امید فردا و آینده‌سازان کشورند.

جهاد در اسلام مُبارزه برای صلح، مُبارزه برای تأمین امنیت و مُبارزه برای نجات انسان‌های مظلوم است.

جهاد دوامدار و پایدار است؛ تا دامن ابدیت به پیش می‌رود.

چه بسا نهضت‌های انقلابی‌ای که در دوران شگوفایی و قوت - به‌علت از دست دادن استقلال و به‌علت وابستگی - پژمرده، بی‌محتوی و منحرف گردیده و سرانجام از هم می‌پاشند.

حرکت‌های فرمایشی و نمایشی جایگاهی ندارند. حرکت‌ها باید بسیار مصمم، بااراده، باامید و با پایداری شروع شود و با صبر و امیدواری ادامه پیدا کند.

حصول پیروزی بدون تحمّل رنج و محنت، قبول قربانی و فداکاری، رؤیایی است شیرین؛ مگر محال و خیال.

حضور نسل جوان در میان همه تحولات، یک واقعیت تاریخی است.

حکومت ما فدای دفاع از حقوق بشر و تعلیم و تربیه و امثال این کارها شد.

خانواده‌های شهدا و معلولین جهاد را فراموش نکنید.

خداوند شهدا را خودش انتخاب می‌کند!
وقت شهادت‌شان را، جای شهادت‌شان را و سبب شهادت‌شان را.

داعی مسلمان نباید تکلیفی را متحمّل شود که قدرت تحمّل آن را ندارد و نمی‌سزد که خود را با مصیبتی روبه‌رو سازد که توان برداشت آن را ندارد.

داعیان؛ در هر عصر و زمان، با رنج‌های فراوانی دست‌وپنجه نرم می‌کنند و مشکلات، مانع راه آنان نمی‌گردد.

در اثر تربیت عالی پیامبر بود که اُمّیان چادر نشین و بیابان‌گردان بی‌دانش، بر همه فرهنگ‌های عصر خویش، سبقت جُستند.

در این مکتب آزاد مردانی تربیت یافتند که نه تنها دست‌وپای خویش را از همه زنجیرها خلاص کردند؛ بلکه بشریت را از زنجیر زورمندان و از بندگی شهوات خانمان‌سوز و اسارت جهل و بداندیشی نجات دادند.

در برابر حق باید تسلیم شد و از عِناد و جدال پرهیز باید کرد.

در دنیای امروز ما به وحدت و یک‌پارچگی مسلمانان ضرورت داریم.

در دوره‌های مختلف شگوفایی تمدن اسلامی، مسلمانان نه تنها به عنوان معلمین دانش‌های معارف الهی؛ بلکه معلمین دانش‌های انسانی - نیز - شده بودند.

در مسیر ما سختی‌های فراوانی قرار دارد، هر قدر رزمندگان مؤمن انقلاب، با مشکلات روبه‌رو می‌شوند، پخته‌تر و استوارتر می‌گردند.

درود بر روان تمام شهدای ایثارگری که در قیام‌های بزرگ جهادی و ملی علیه بریتانیای کبیر و در برابر اتحاد شوروی جان‌های شیرین خود را نذرانه دفاع از دین، عزت، آزادی و سربلندی ملت خویش کردند.

دشمنان پیش از اینکه به اصل ارزش‌ها حمله بکنند، بر مُمثَلین ارزش‌ها حمله می‌کنند.

دعوت در راه حق، بدون جهاد پایدار باقی مانده نمی‌تواند.

دگرگونی‌های حیات، گواه این حقیقت است که مبارزان صدیق و راستین، با تغییر اوضاع و احوال رنگ نباخته، مشعل راه جهاد و مبارزه را فروزان نگاه می‌دارند.

دنباله‌روان؛ انسان‌های بی‌شخصیت و ضعیف‌النفسی‌اند که چشم به‌سوی دیگران دوخته و منتظرند که آن‌ها چه می‌کنند؛ تا به عقب‌شان روان شوند، اهل ابتکار و تصمیم نیستند.

دو قدرت استعماری بزرگ، در سرزمین ما پوزش به خاک مالیده می‌شود، آغاز شکست انگلیس از سرزمین ما (افغانستان) شروع می‌شود و شکست اتحاد شوروی هم بار دیگر در همین سرزمین به میان می‌آید.

دوگانگی در شخصیت مسلمان مبارز، آفت بزرگی است و اساساً کسی که به دوگانگی و جدایی مبتلا باشد، نمی‌تواند مُبارزه کند.

راه مُبارزه دارای فراز و نشیب است، باید در برابر رویدادها باثبات و استقامت برخورد کرد.

رزم‌جویان زنجیر شکن، در افغانستان به هیچ کس اجازه نمی‌دهند؛ تا مردم ما را که از یک زنجیر نجات می‌یابند، به زنجیر دیگری بکشانند.

رزمندگان مسلمان اجازه نمی‌دهند ابرقدرت‌ها برای شان زعیم بتراشند و مزدوران خود را بر ما تحمیل کنند، تعیین سرنوشت، حق مشروع ملت‌هاست.

رسالت همه ما به خصوص علمای بزرگوار ماست که - هرگونه که شده - اختلافات را حل کنند؛ تا بیشتر از این باعث ضعف و ناتوانی امت اسلامی و ملت مسلمان نشود.

زعامت‌های وابسته در کشتار افراد ملت خویش، جسور و خون‌آشام‌اند؛ اما در برابر دشمنان خاک و میهن، جبون و بزدل‌اند.

زعیم‌های مزدور در طول تاریخ، بزرگ‌ترین مصیبتی به جهان اسلام بوده‌اند، از راه اینان سرمایه‌های مادی و معنوی مسلمانان به غارت برده شده و نابود می‌گردد.

زمانی که خطر استقلال و آزادی و تمامیت ارضی در میان باشد، آن زمان، جهاد به عنوان یک جنگ مقدس است.

زمانی که دین از سیاست جدا شد، به طرف ذلت و وابستگی رفتیم.

زندگی مؤمن، مبارزه‌ای است دوامدار و کشمکش‌ی است، پایان‌ناپذیر.

سازمان‌های مؤمن و عناصر مخلص و هدف‌مندند که تحولات را جهت می‌دهند و رهبری می‌کنند و با بحران‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

سید جمال‌الدین افغانی کسی بود که در برابر قدرت‌های سرکوبگر استعماری و برای وحدت امت اسلامی قیام کرد.

شریعت اسلام، دین امنیت و نجات است، نه دین شکنجه و سرکوب.

شعارهای انقلابی‌ای را که جایگاه عملی نداشته باشند، نباید سر دهیم.

شهادت حقوق زیادی بر ما دارند و نمی‌توانیم با تجلیل و برگزاری محافل بزرگ‌داشت از هفته شهید، همه این حقوق را ادا کنیم.

شهادت کسانی‌اند که خود را فدا می‌کنند؛ تا دیگران زنده بمانند.

صبر و استقامت و پایداری اساس همه پیروزی‌هاست.

صلحی را که اگر خدا خواسته باشد می آوریم، به نفع همه است؛
به نفع مسلمانان است، به نفع سربلندی و عزّت اسلام در
افغانستان و در کل کشورهاست.

عاشورا برای مسلمانان، تنها یک خاطره عاطفی و ماتم نیست؛
بلکه یک دانشگاه است.

عثمان ~ کاتب وحی و رازدار اسرار حق به نزد پیغمبر Y
بود.

عصر حاضر، عصر بیداری ملّت های مسلمان است، دیگر بمب
و اسلحه، رژیم ها را نمی تواند حفاظت کند.

علما نباید در مابین مردم به عنوان چهره های نا آشنا و بیگانه
معرّفی باشند.

عید مسلمانان با اعیاد و جشن های غیر مسلمانان تفاوت دارد،
اعیاد و روزهای خوشی مسلمانان مظهری از تقوی و فضیلت و
انجام کارهای نیک و عام المنفعه است.

غرور و افتخارات تاریخی ما مربوط به روحیه آزادمنشی و استعمارستیزی ماست.

فاجعه‌انگیزترین عهد در تاریخ اسلام، آن دورانی است که پیروان بی‌خبر و مفتیان جاهل، در نقش حامیان و مبارزان قرار گرفته و با تصرّفات ناآگاهانه خویش، ضربات جبران‌ناپذیری را بر پیکر انقلاب اسلامی وارد آوردند.

فاروق اعظم ~ بعد از کسب صد جهان افتخار و عظمت برای عالم اسلام به شهادت رسید.

فرزندان مؤمن اسلام و فلسطین که جهاد را راه خود و شهادت را از عالی‌ترین آرمان‌های خود می‌دانند، همه زنجیرهای وابستگی را درهم شکنند و صهیونیست‌های غاصب را بیرون ریزند و فلسطین اسیر را آزاد سازند.

فکر و فرهنگ، سیاست و اقتصاد، نظام و اداره همه باید تابع احکام قرآن باشد.

فهم دقیق از طبیعت، هدف، مرام و شکل مبارزه، یک اصل عمده‌ای از اصول مبارزه اسلامی است.

قدرت همیشه حاکم بر فرهنگ و بر اقتصاد است، قدرت همیشه سیر حرکت تاریخ و اجتماع را تعیین می کند.

قرآن سرچشمه جاویدانی نور و هدایت برای بشریت و منبع فناپذیر فیض و الهام دانایان و دانشمندان در هر عصر و زمان است.

قرآن کریم سرچشمه نور و هدایت است.

قرآن کتابی است برای نجات بشریت.

قرآن کریم کتاب بیدارگر ملت ها و هدایت گر گمراهان است.

قیام غرور آفرین بیست و چهارم حوت در هرات باستان، گران بهاترین خاطره ای است که به طور جاویدانه، در ضمیر تاریخ باقی خواهد ماند.

قیام هایی که در تاریخ افغانستان، در دوران جهاد صورت گرفته، سرمایه های ملی و افتخارات تاریخی ماست که نباید فراموش شوند؛ بلکه باید آن ها را به عنوان یک درس به نسل های بعدی

انتقال دهیم.

کسانی که با صبر و استقامت و با گام‌های استوار در سنگر دفاع از کشور، از استقلال و دین و تاریخ و فرهنگ افغانستان و از امنیت و صلح و ثبات جهانی قرار داشت، فرزندان جمعیت بود.

کشور ما سرزمین مردان بزرگ تاریخ است که نام و کارنامه‌های بزرگ‌شان، نه تنها در سطح کشور و منطقه؛ بلکه در سطح جهان بازتاب‌های عظیمی داشته است.

مؤمنان خردمند که خواهان پیاده کردن آرمان عالی انقلاب‌اند، باید به خود و امور مربوطه‌شان متوجه بوده و از شرایط و اوضاع عصر خویش ناآگاه و بی‌خبر نباشند.

ما باید با برنامه‌های حساب‌شده، از تمام دستاوردهای دانش امروزی، استفاده بکنیم.

ما پاسدار ناموس همه مسلمانان، چه در افغانستان و چه در پاکستانیم.

ما در همه جهان، همیشه به هم‌بستگی ملی و به مشارکت ملی ضرورت داریم.

ما طرفدار وحدت و یک‌پارچگی کلّ کشور و همه اقوام افغانستانیم؛ ما هرگز نمی‌خواهیم که یک قوم بر قوم دیگر برتری داشته باشد، همه اقوام و تمام ملیّت‌های افغانستان همه باهم برادر و برابرند.

ما گام‌هایی را که برای فردای خود می‌برداریم، باید حساب‌شده باشد.

ما مجاهدین، که قهرمانان جهاد و مُقاومت بودیم، اکنون قهرمان‌های صلح - نیز - باید باشیم؛ تا آینده این کشور و ملت را به دست خود رقم زنیم.

ما ملّتی‌ایم که در برابر هیچ تجاوزی سر خم نکرده‌ایم، در دوران استعمار، ملّت‌های دیگر محکومیت را قبول کردند؛ اما ملت ما محکومیت را قبول نکرد.

ماه مبارک رمضان یک دوره تربیتی است؛ تا مؤمن روزه‌دار گرایز سرکش خود را مهار سازد و در جایی که امکان خوردن

و نوشیدن را داریم، از آن امتناع ورزیم، این فقرِ اجباری برای انسان‌ها تعلیمِ تقوی و فضیلت را می‌دهد.

مبارزات مسلحانه ما به‌خاطر گرفتن قدرت نبود؛ بلکه برای تأمین امنیت و تأمین صلح در کشور بود.

مبارزات نیم‌بند و کم‌دوام و موسمی، هر قدر تند و انقلابی باشد، هیچ دردی را دوا نکرده‌است.

مبارزان جمعیت اسلامی افغانستان، این حقیقت را می‌دانند که آنان اگر به‌خاطر نجات مردم، فداکاری می‌کنند، اگر در راه رهبری جامعه به‌سوی صلاح و سعادت مُتَحَمِّل رنج‌ها و ناهمواری‌ها می‌شوند، این همه را به‌عنوان وجیه و مسئولیت انجام می‌دهند.

مبارزان راه حق، در هیچ‌حال احساس یأس و نومیدی نمی‌کنند، آنان در هر جا و همه احوال، احساس پیروزی می‌کنند.

مُبارزه با مواد مُخدِّر خیلی دشوار؛ ولی نهایت پرافتخار است؛ زیرا مُبارزه در راه نجات انسان از جنگ مرگ و مُبارزه به‌خاطر سعادت و رفاهیت خانواده بشریت است. مُبارزه برای رسیدن به

آزادی و استقلال سیاسی، یک وجیبه مقدّس است.

مُبارزه اسلامی یک شعار تُند، میان تهی و یا یک خیز بی حاصل و مشت زدن، بر لبه تیز شمشیر نیست؛ سخنی است مؤثر و سنجیده، گامی است پلان شده و ضربت خُردکننده‌ای است که دشمن را جابجا فلج کند.

مُبارزه اسلامی، در هوا برنامه‌ریزی نمی‌شود و بر وهم و خیال، اتکا نمی‌کند. واقعیت‌های اجتماعی و نیازمندی‌ها، نوعیت و شکلِ مُبارزه را تعیین می‌کند.

مُبارزه اسلامی، یک مُبارزه رهبری شده‌است که مسلمان مبارز در چوکات اصول پیش‌بینی شده آن حرکت می‌کند، هوا و خواهش‌های نفس، مسیر آن را تعیین نمی‌کند.

مردان آزاده و غیرتمند، هیچ‌گاه در برابر آواز کفر و ظلم، مَهرسکوت و خاموشی بر لب ننهاده‌اند.

مردم تونس و ملت عظیم مصر؛ امروز به همه جهان این درس را داد که وقتی ملت قیام می‌کند، دیگر نه اردو، نه پولیس و نه هیچ قدرت جهانی، نه حمایت‌های غرب و نه هیچ قدرت دیگر

می‌تواند که در مقابل آن بایستد.

مرگ با آبرو به مراتب بهتر و بالاتر از زندگانی است که در ذلت و خواری سپری گردد.

مسئله شوری و پارلمان کدام تناقضی به دین ما ندارد.

مسئله صلح، برای کشور ما تنها یک ضرورت حیاتی و تنها یک نیاز ملی نیست؛ بلکه فریضه دینی و رسالت همگانی نیز است.

مسجد، یک مسئله بسیار عمده در زندگی مسلمان‌هاست و در تحولات فکری، فرهنگی، فلسفی، فقهی و سیاسی جایگاه خود را داشته و دارد.

مسلمان مبارز، با تصوّر روشن، دل‌امیدوار، اندیشه ژرف‌بین، به آینده می‌نگرد، هدفش واضح و گام‌هایش ثابت و استوار است.

مسلمان مرگ را می‌پذیرد؛ ولی به هیچ‌صورت ذلت را نمی‌پذیرد.

مسلمان مسلسل‌اشتباه نمی‌کند و اگر بنا بر علتی قدم ناآگاهانه برداشته باشد، باردیگر عین همان عمل را تکرار نمی‌کند، او

نقاط خطر را تشخیص داده و از وقوع در پرتگاه، خود را نگاه می‌دارد.

مسلمان نباید از زمان خود عقب بماند؛ بلکه باید بر اساس فقه فرضی و تقدیری امام اعظم G از زمان خود چند گام پیش برود.

مسلمانان باید بفهمند که در اصل متحد و یک‌پارچه‌اند؛ پس نباید چند دستگی‌ها، تفرقه‌ها و کشمکش‌ها در بین امت اسلامی به‌میان بیاید.

مسلمانان همیشه در حرکت و مُبارزه برضد ظلم و استبداد و بی‌عدالتی باشند.

مسلمانان، مُبارزه علیه استبداد را از حسین ~ بیاموزند.

مُصعب بن عُمَیر ~ اولین کسی است که پیغمبر Y او را به مدینه قبل از «هجرت» می‌فرستد؛ تا در میان خانواده‌های «اوس و خزرج» دعوت اسلامی را پخش کند.

ملت‌ها وقتی که استقلال علمی نداشتند، استقلال سیاسی خود را هم از دست می‌دهند.

ملت‌های زنده، هدفمند و متعهد هرگز تسلیم نمی‌شوند، راه خود را ادامه می‌دهند.

ملت‌هایی که بخواهند زنده بمانند، باید در جامعه حضور داشته باشند، حافظ تمدن خود باشند، آزاد باشند و باید هویت دینی و ملی خود را حفظ کنند.

ملتی که از مسیر اصلی زندگی‌ای که بر شالوده پیکار و جهاد در راه عقیده و دین استوار است، منحرف شود، حتماً مرگ به سراغش می‌آید.

ملتی که فاقد علمی باشد که بیانگر نحوه سلوک او در زندگی باشد و فاقد تربیتی که به وسیله آن هر فرد، وجایب خود را بشناسد، چنین ملتی بدون شک دچار انارشی و اضطراب می‌گردد.

من به تعبیر جنگ‌های داخلی موافق نیستم؛ همیشه سازمان‌دهی، رهبری و اداره این جنگ‌ها، از بیرون صورت می‌گیرد.

من معتقدم ما کسانی را انتخاب می‌کنیم که اوّل انسان متدّین و خداپرست باشد، بعد به صف جهاد و مجاهدین ارتباط داشته باشد.

منتظر نباشید که مردم آمده و از شما بپرسند؛ بلکه باید دنبال مردم رفت و از آنان دعوت کرد.

ناآشنایی به جهان‌بینی اسلام و عدم اطلاع به اصول مُبارزه اسلامی، انحرافات سلوکی و عملی را در مسیر مبارزان قرار می‌دهد.

ناامنی‌ها و کشمکش‌های بسیاری دامن‌گیر ملّت و مردم ماست، این حالات را به وضع خود گذاشتن، جفا به ملّت، تاریخ و جهاد و مردم است، نباید بی تفاوت باشیم.

نباید اجازه داد مخالفان دین و فرهنگ ملّت ما، تحت عنوان مخالفت با طالبان، با اسلام و ارزش‌های دینی و ملی ما ستیزه‌جویی کنند.

نباید مأیوس بود؛ باید با اطمینان کامل و با احساس مسئولیت و با تعهد گام برداشت.

نسل جوان ما حیثیتِ یک شمشیر را دارد؛ اگر به دست قانون گذار داده شود، ریشه های فساد را قطع می کند و اگر به دست یک جلّاد سپرده شود، به عنوان یک گرز کوبنده، بر فرق ارزش ها کوبیده می شود.

نه تنها که به اصطلاح پُکول جهاد را از سر دور کردیم؛ بلکه مَحَبّت جهاد را هم از دل دور کردیم.

وابستگی در همه اشکال و انواع آن، فاجعه آورترین پدیده تاریخ است.

وابستگی های ذهنی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، دردناک ترین بدبختی ها را گریبانگیر جوامع و ملل وابسته می سازد.

وابستگی فکری و ذهنی، مانع رشد شخصیت ملت های وابسته گردیده، قدرت ابتکار، نوآوری و انکشاف ذهنی را در میان اشخاص و ملل وابسته، سلب می کند.

وجود وابستگی سیاسی - بعد از حصول آزادی و استقلال کشورها - خطرناک ترین عامل محرومیت و عقب ماندگی و

باعث رنج‌های بی‌نهایت در میان ملت‌هاست.

وجوب دینی ماست که از ارزش‌های علمی، فکری و فرهنگی جهان امروز که به نفع رشد انسان و خیر و عدالت انسانی باشد، استفاده کنیم.

هدف اساسی رسالت‌های آسمانی درهم‌شکستن قدرت‌های سرکوبگر و استعمارگر و دشمنان انسان و انسانیت است.

هر اتهام و وابستگی‌ای که از هر جا و هر حنجره‌ای، علیه انقلاب ما شنیده شود، قطعاً مردود و هرزه است.

همه اقوام افغانستان برادر ماست، اهل خانواده ماست، جزء وجود ماست.

همه این ظلم و ستم و همه این تجاوزات و خون‌ریزی‌های ناروا، برای آن است - که قدرت‌های استعماری و نیروهای فاسد و متجاوز می‌خواهند - اسلام و مسلمانان را نابود کنند.

مردم می‌دانند که عملی‌ترین احزابی که فعلاً حضور دارد و به درد ملت‌ها می‌خورد، حزب «اخوان المسلمین» است، حزب معتدل،

مخالف افراط‌گرایی، مخالف تشدد، حرکت منطقی و طرفدار تربیت.

هیچ دولتی در دنیا به میان نمی‌آید؛ تا یک مبنای فکری نداشته باشد.

یکی از خصوصیات دین ما و تعهدات دینی، فرهنگی و سیاسی ما، این است که ما حکمت و دانش را سرمایه گم‌شده خود فکر می‌کنیم.

این حرکت، (جمعیت) از قلب مراکز روشنفکری در جایی که انجینتهای اجنبی آن را سنگر مستحکم برای پخش تیوری‌های تباه‌کن خود تشخیص داده بودند سرزد و با نیرومندی کامل اوج گرفت و به تندی و قوت پیش می‌رود.

این حرکت، (جمعیت) زاده افغانستان و برای مردم افغانستان است و اکنون فقط برای نجات مردم افغانستان و تطبیق ارزش‌های جاویدان اسلام، در آن مبارزه می‌نماید.

اسلام نهضت آزادی‌بخشی است که افراد و اجتماعات را از زنجیر زورمندان و اسارت ستمگران آزاد می‌سازد.

در هیچ مرحله‌ای نباید مسلمانان، با صفوفِ پراکنده دست به مُبارزه زنند و رزمندگان مؤمن همه آن نقشه‌هایی را که برای پراکنده‌ساختن آنان طرح می‌شود نقشی بر آب می‌سازند و تمام پلان‌هایی را که برای ایجاد شکاف در میان صفوف مبارزان طرح می‌شود، در نطفه خنثی می‌کنند.

رزمندگان «جمعیت اسلامی افغانستان»، فقط به‌خاطر برتری دین خدا جهاد می‌کنند، در قید و بند اهداف و غایات مادی، خود را اسیر نساخته و به‌سوی این هدف عالی، قربانی‌های بی‌دریغی داده و می‌دهند.

رزمندگان آگاه، انقلابی و پرشور «جمعیت اسلامی افغانستان»، در راه رسیدن به آرمان عظیم خویش، باید به جهان‌بینی اسلام آشنا و از هدف و اصولِ مُبارزه خود خبر شوند، با نیت پاک، هوشیارانه و سنجیده در پناه رعایت الهی به پیش روند.

قیام‌هایی که در تاریخ افغانستان در دوره‌های جهاد صورت گرفته، سرمایه‌های ملی و افتخارات تاریخی ماست که نباید فراموش شوند؛ بلکه باید آن‌ها را به‌عنوان یک درس به نسل‌های بعدی انتقال دهیم.

انتخابات بجای اینکه به عنوان یک فرهنگ و راه حل قضایا و تمثیل اراده واقعی مردم مطرح باشد، نباید برای راه اندازی بازی ها و ابزاری برای سرکوبی و حق تلفی تبدیل شود.

آزادی در فرهنگ دینی ما موهبت الهی است.

برای رسیدن به هدف، باید برنامه داشت و برای برنامه ریزی، شناخت کافی از آرمان خویش و از مشکلات محلی و بین المللی آگاهی داشت، بدون برنامه صحیح و تنظیم شده، امور نامربوط و نتایج نامطلوب به دست می آید.

قرآن کتابی است برای نجات بشریت، همچنان کتاب بیدارگر ملت ها و هدایت گر گمراهان و کسانی است که در بیابان گمراهی و ضلالت حرکت می کنند.

روژه، احساس و عاطفه انسانی را بیدار و ملکه خیر و احسان را تقویت می بخشد و بدون تردید، انسان های عاری از عاطفه و احساس، مصیبتی اند هم برای خود و هم برای جامعه شان.

مسجد در دین و در فرهنگ اسلامی ما، تجلی گاه عزّت و عظمت مسلمانان و مظهر یکپارچگی امت اسلامی است.

روزه تربیتگاه تقوی و طهارت و مدرسه رشد اخلاق و فضیلت است.

در ماه رمضان؛ احساس راکد و عواطف جامد مسلمانان، بیدار و به حرکت درمی آید.

روزه آموزگار عزّت و کرامت و عامل قوّت شخصیت است.

روزه عامل عمده و وسیله مهم مهارساختن کشش های اغواگر نفسانی و کنترل غرایز سرکش جسمانی است.

تلاوت قرآن کریم سرچشمه نور و هدایت است، در دوران شب و یا روز، قلب و روح مؤمن را از زمزم عرفان و معنویت سیراب می سازد.

روزه ماه رمضان احساس حضور و نظارت خداوند را در وجدان و ضمیر انسان ایجاد کرده، سلیقه رازداری بنده با پروردگارش را آموزش می دهد.

شهادت به معنای مظهر ایثار برای نجات دیگران است؛ حرکت‌های کورِ انتحاری که باعث کشتار کودکان، زنان و انسان‌های مظلوم می‌شود، شهادت نیست.

اگر مجاهدین در برابر روس‌ها پیروز شدند، کشور را از وجود قدرت‌های اتحاد شوروی پاک ساختند، امنیت را آوردند، این همه دستاورد به‌علت این بود که در ضمیرشان، نیروهای ایمانی وجود داشت.

اگر اعتقاد به کرامتِ خانواده، کودک و جوان، فلسفهٔ ذهنی هر مردمی قرار بگیرد، می‌تواند حقِ جوانان را ادا کنند. اگر ما معتقد به این ارزش‌ها نباشیم، به شعار و حرف‌های گزاف نمی‌توانیم، حقِ جوانان را ادا کنیم.

در نتیجهٔ پیروزی مجاهدین، استبداد تاریخی و درازمدتِ حاکم بر کشور فرو ریخت، راه برای تغییرات اساسی سیاسی و اجتماعی هموار شد و امکان تحقق عدالت و برابری برای همهٔ شهروندان افغانستان میسر گردید. در نتیجه گروه‌های محکوم جامعهٔ افغانستان توانستند، به حقوق انسانی و ملی خویش دست یابند.

ما اگر بخواهیم آزاد باشیم و مسلمان زندگی کنیم، باید با مال و جان در برابر کفر قیام کنیم، باید جهاد کنیم، باید بکشیم و کشته شویم؛ این شیوه مسلمانان راستین است.

دفاع از امنیت و ثبات سیاسی کشور، حفظ ارزش‌های اسلامی و دفاع از فرهنگ و ارزش‌های دینی، رهبری نسل جوان‌مان با ارزش‌های اسلامی، روشن نگه داشتن شعله‌های ایمان در ضمیر نسل جوان، تربیه اسلامی نسل‌های جوان. تعمیم تعالیم دینی، تعمیر و سربلندی کشورمان، از مسئولیت‌های شماست.

مسجد جای نشر تفکر، فقه و اندیشه اسلامی بود؛ اما متأسفانه جایگاه مسجد کم‌کم در جامعه مسلمان کم‌رنگ شده‌است.

هستند کسانی که با تبعیت از فرهنگ‌های غیر اسلامی، فکر می‌کنند که مسجد جای سیاست نیست؛ در حالی که اگر ما مسجد را از سیاست دور بسازیم، در حقیقت ارزش اسلام را پایین آوردیم و این گونه القا می‌کنند که گویا اسلام هم، با دین خود ساخته و تحریف شده‌ای مسیحیت کنونی یکی است. در حالی که هیچ دینی، نه دین یهودی و نه مسیحی، از سیاست جدا بودند.

ما از دسیسه‌های دشمنان اسلام چه در چهره دولت‌ها باشد و چه در چهره گروه‌ها در شگفتی نیستیم؛ ولی آنچه مایه شگفتی تمام است، اینکه اینان که خویشان را طالب مدارس دینی می‌نامند، چگونه ریزاندن خون برادران خود و تاراج دارایی‌ها و هتک آبروی آنان را مباح می‌پندارند.

مسلمان مبارز در جریان پخش تیوری، سلوک و روش خاصی را تعقیب می‌کند که به وسیله آن بتواند در دل‌ها راه یافته و موانع را از راه بردارد.

مطلب نباید به شکل چلنج و مبارزه طلبی به طرف، عرضه شود؛ بلکه به اسلوب حکیمانه، قسمی پیش آمد صورت بگیرد که قلب طرف مقابل جذب گردد؛ زیرا نفوذ در دل‌ها از غلبه بر دلایل بهتر است.

در دوران پخش تیوری، خستگی و مایوسی را نباید به خود راه داد، عکس العمل طرف هر چه باشد، نباید بی حوصله شد.

به خاطر رسیدن به هدف مطلوب، کوتاه‌ترین راه را باید جست‌وجو و انتخاب کرد.

هنگام بحث و دعوت، به تندی و زشتی نباید جواب داد؛ بلکه مطلب را با دلایل روشن، باید شرح کرد و آن گاه بگذار که مخاطب خود قضاوت کند.

وقت را در اثبات و تشریح آن اموری که نتیجه و اثری بر دعوت ندارد، نباید گذرانید.

از جدال بی ثمر سخت پرهیز باید کرد

تنها نباید به این کار اکتفا کرد که مخاطب، تحت تأثیر صحبت تو قرار گرفته است؛ بلکه مراقب آن باش که اثر عملی آن از چه قرار است و چون توجه کسی را جلب کردی، مگذار که فکرش عوض گردد.

در وقت بحث و سخنرانی، چنین فکر بنما که شنونده هوشیار و دانشمند است؛ لذا به سخنان طولانی و بی مورد مخاطب را خسته و ملول مساز.

در وقت صحبت و حرف زدن از عیب جویی و شکوه پرهیز؛ مگر اینکه احساس کنی که افشای شخص به نفع دعوت تمام می شود و در این حال هم از افراط کار مگیر و به اندازه ضرورت آن را به کار بند.

معمولاً مردم قصور می کنند، شخصی که به طرف چیزی دیگران را دعوت می کند، خودش مثل همان طرز فکر است؛ یعنی مردم عادتاً شخص و دعوت را یکی می دانند.

یک مبارز حیثیت یک مهندس و معمار را دارد. او به خاطر ساختن عمارتی نقشه طرح می کند و می خواهد مطابق همان نقشه، عمارت آباد گردد، او هنرمند و مُثَل نیست که تنها به خاطر تفریح تماشاچیان هنرنمایی کند، پس واقعیت ها را طوری که هست بیان می کند و به اساس همان واقعیت ها، خواهان تحوّل و انقلاب باشد.

اسلام را همیشه از یک پهلوی آن مُعَرِّفی منما؛ بلکه همه جوانب آن را مدنظر داشته باش.

در بحث و دعوت، میانه روی را گزین و از شدت زیاد احتراز بکن.

با مسایل ثابت علمی اظهار دشمنی و مخالفت منما.

مسایل را درجه بندی و اولاً موضوعات مهم را باید بیان کرد و مسایل عمده را فدای موضوعات پیش پا افتاده نباید کرد.

در شکل و موضوع بحث، در هردو دقت باید کرد؛ تا نشود مطلب قسمی عرضه گردد که طرف از قبول آن اعراض کند.

شرایط و اوضاع محیط را نباید از نظر دور داشت و بدون سنجش علی الفور با آرای عامه تصادم نباید کرد و این بدان معنا نیست که به نام عدم تصادم به آرای عامه، از اظهار حق ساکت ماند، بلی حق را اظهار باید کرد؛ اما نه آنچنان که موجب ایجاد مانعی در پیشرفت دعوت گردد و به جای نفع ضرر رساند.

هرگاه با بینش عمیق و همه گیر، تعلیم والای اسلام را در بخش های مختلف آن بررسی کنیم، به این نتیجه می رسیم که برنامه ریزی و داشتن نقشه و پلان لازمه تلاش گسترده و عمل متداوم اسلامی است.

هدف از برنامه‌ریزی، تنظیم امور بر مبنای شناخت کلیّ تعالیم اسلامی، آشنایی به اوضاع و احوالی که انقلاب در آن مرحله قرار دارد، شناخت امکانات دست‌داشته، بررسی اوضاع ملی و بین‌المللی و دریافت بهترین شرایط در جهت رسیدن به اهداف والای انقلاب است.

اگر می‌بینیم که در کشورمان جنگ، بدامنی و مشکلات است، ما نباید این‌طور نظاره‌گر بوده باشیم؛ بلکه باید در متن حوادث و جریان‌ها خود را داخل بکنیم.

ما باید به‌عنوان ناصح و هدایتگر و آمرِ بالمعروف و ناهی عن‌المنکر باشیم؛ به‌خاطری که فرهنگ صلح، فرهنگ اساسی دین ماست.

باید مشعل جهاد را همیش روشن نگه‌داشت. این افتخار بزرگ ملت ما و همه ملت‌های جهان است.

جهاد حرکت آزادی‌بخش است، جهاد یک عمل خشونت‌بار نیست.

امیدواریم که در کشور عزیزمان صلح و امنیت حاکم شود.

انتخابات به‌خاطری است که نماینده‌ها می‌آیند و نماینده‌ها نظام سیاسی را کنترل می‌کنند و قوانینی را که وضع می‌شود، بررسی می‌کنند. اگر عناصر مؤمن، متعهد و خداپرست، در این پارلمان نباشد، بالطبع قوانین غیراسلامی به‌میان می‌آید.

جنگ ضرورت نیست، کارهای انتحاری ضرورت نیست، در این انتحارها بسیار مسلمان‌های بیچاره کشته می‌شود، مردم مظلوم کشته می‌شود، مردم‌های ملکی کشته می‌شود.

از همین حالا برای وحدت داخلی، یکپارچگی در مابین خودمان و از بین بردن همه اختلافات و ایجاد امنیت باید باهم همکاری کنیم.

ما به‌خاطری که اصلاحاتی را بیاوریم، هرکجایی را که در کشور خود می‌بینیم، دشمنانه با آن برخورد نمی‌کنیم؛ بلکه بسیار دل‌سوزانه با آن برخورد می‌کنیم، دیگر مردم پرابلم ایجاد می‌کنند و مشکل می‌آفرینند، کشور را به بحران روبه‌رو می‌سازند و امنیت را خراب می‌کنند؛ اما ما تلاش می‌کنیم که در کشور بحران‌ها از بین برود.

فرهنگ صلح‌طلبی در جمعیت اسلامی، به‌حیث عمده‌ترین موضوع و عمده‌ترین قضیه در زندگی سیاسی ما بوده‌است و حتی در روزهای خطرناک و جنگ‌های بسیار سختی که وجود داشته، در همان زمان هم شعار صلح به‌عنوان شعار عملی جمعیت بوده‌است.

اصلاً مبارزات مسلح ما هم، به‌خاطر گرفتن قدرت نبود، برای تأمین امنیت و تأمین صلح در کشور بود.

هنر، مسئولیت و رسالت جنبش‌های سیاسی و جنبش‌های ملی این است که وقتی بحران‌های ملی می‌آید، در پیشاپیش همه باید برای حل بحران ملی دست‌به‌کار شوند و نگذارند که آتش بحران کشور را به‌کلی نابود بسازد.

این یک وجیهه دینی و اسلامی ماست که وقتی بحرانی و یا نزاعی به‌میان می‌آید، دست‌به‌اصلاح بزنیم.

باید سخت هوشیار باشیم، فعلاً ابتکار صلح باز هم به‌دست مجاهدین است، قسمی که ابتکار آزادی کشور هم، به‌دست مجاهدین بود و هم ابتکار جهاد و مقاومت.

ما به خاطری صلح را به میان می آوریم و در راه آن تلاش می کنیم که دیگر شاهد صحنه های خونین نباشیم. به خاطر این در پروسه صلح باید سهم بگیریم، تا در پشت پرده توطئه دیگری نسازند.

صلح خوش مان می آید، امنیت خوش مان می آید، ما می خواهیم که در کشور مان امنیت تأمین شود.

می خواهیم در این جا حکومتی باید بوده باشد که بر مبنای ارزش های دینی، عدالت اسلامی، خواست مردم و سهم گیری مستقیم خود مردم در ایجاد حکومت استوار باشد.

یقیناً بسا اوقات انسان فکر می کند که جنگ بسیار آسان تر از صلح است، در جنگ می تواند آدم زود تصمیم خود را بگیرد، فیصله کند و طرف خود را تشخیص بدهد و وارد سنگر و مقابله شود؛ اما در صلح، دست های مختلف و بازی های مختلفی در این جا هست که آدم به زودی نمی تواند تصمیم بگیرد.

امروز چیزی که برای ما مهم است، صلح است.

مسئله صلح مسئله ای نیست که ماوشما از آن اظهار ندامت و پشیمانی کنیم؛ که کاش در آن سهم نمی گرفتیم، به عقیده من،

این یکی از گام‌های بسیار بارزشی است که ماوشما برداشتیم.

آیا ما نمی‌خواهیم، قسمی که قهرمان و فاتح جنگ بودیم، در صلح کشور هم، دستاوردی داشته باشیم؟ و جنگ مان هم، به‌خاطر صلح و امنیت بود، جنگ به‌خاطر جنگ نبود.

ما تمام کشور را برادر و هم‌سنگر خود می‌دانیم، ما افغانستان واحد و یکپارچه می‌خواهیم.

شهادت در فرهنگ دینی ما، به مفهوم خودکشی نیست و به هیچ وجه مفهوم انتحار را ندارد، شهادت یک فداکاری و برای نجات حیات دیگران است.

شهادت، یک ارزش دینی و انسانی است و انتحار یک حرکت جاهلانه و یک عمل کور و عاقبت‌نااندیشانه است.

جهاد در اسلام به‌خاطر جنگ برای جنگ نیست. جهاد در اسلام مُبارزه برای صلح، مُبارزه برای تأمین امنیت و مُبارزه برای نجات انسان‌های مظلوم است.

جنگ اصلاً در فرهنگ اسلام، یک مسئله مورد پذیرش طبیعت نیست.

ایجاب می کند کسانی که می جنگند، باید فکر بکنند که راهی را که انتخاب کرده اند درست نیست و باید به سوی صلح که خیر است، برگردند.

صلح امروز یک وجبیه، یک ضرورت و یک نیاز مبرم زندگی ملت ما شده؛ لذا باید آنانی که دیروز و امروز می جنگند، متوجه بوده باشند که دستاوردهایان جز تباهی ملت مان، سرکوبی پاسداران دین و جهاد چیز دیگری نمی باشد.

پیام شورای صلح به گروه های مسلح این است که سلاح را بر زمین بگذارند و خواسته های خود را از طریق مذاکره و از طریق تقدیم پیشنهاد های سازنده، تقدیم بکنند.

باید بکوشیم تا از طریق همکاری و تعاون و برادری، شریعت در کشور مان پیاده شود و دین خدا در همه جای کشور مان حاکمیت پیدا بکند و این کار جز از طریق وحدت، برادری، اخوت، قطع جنگ و تأمین امنیت سرتاسری، از طریق دیگری ممکن نیست.

نباید ما اجازه بدهیم که بیش از این کشمکش‌ها در کشورمان ادامه پیدا بکند.

تأمین امنیت و صلح در کشور، تنهاوتنها وظیفه دولت نیست؛ بلکه وظیفه همه ملت است.

من یقین دارم، زمانی که ملت‌ها وارد صحنه شوند و تصمیمی بگیرند، تحولات بزرگی در مسیر تاریخ ایجاد می‌کنند.

من یقین دارم که همه مردم افغانستان می‌توانند در پروسه صلح کارهای بسیار بزرگی را انجام دهند، اگرچه به همکاری‌های جهانی و جامعه بین‌المللی نیازمندیم؛ اما باید در پیشاپیش این حرکت، ملت ما قرار بگیرد.

امروز زمان این فرا رسیده که ملت افغانستان در صلح و امنیت به‌سر برد، باید دوسیه جنگ بسته شود. باید کشور ما بیش از این میدان جنگ برای اطراف مختلف نبوده باشد.

باید ملت ما همیشه در برابر همدیگر قرار نگیرند، باید کودکان، جوانان، زنان، خانواده‌های مظلوم ما، دیگر شاهد صحنه‌های

خونین، غم‌انگیز و دردانگیز و شاهد فاجعه‌های دردناکی که هم توسط نیروهای بیرونی و هم توسط انفجار دادن‌های داخلی به میان می‌آید، نباشند و باید با ایمان بسیار مستحکم، اراده قوی و با دل‌سوزی و اخلاص پروسه صلح را به پیش ببریم.

علمای امت مجموعه‌ای از مسلمانانی‌اند که پیام الهی را به انسان‌ها می‌رسانند و در راه رساندن این پیام، تنها از خدا^۱ می‌ترسند و از هیچ کس دیگری نمی‌ترسند.

علمای طبقه‌ای از مسلمانان و دانشمندانی‌اند که همیشه در دفاع از حق هستند، از مظلوم دفاع می‌کنند و در مقابل ظالم می‌ایستند. اگر در برابر شان هر نوع تجاوز و توهینی هم صورت بگیرد، ثبات و استقامت خود را از دست نمی‌دهند، با پایداری و صبر و استقامت از دین و از مسلمانان و از ارزش‌های انسانی دفاع می‌کنند.

هدف اساسی و مسئله بسیار عمده و مهم در رسالت اسلامی، وحدت بشریت، وحدت امت و وحدت انسان‌هاست. توحید امت و تلاش برای وحدت امت، رسالت اساسی و عمده مسلمانان و به‌خصوص علمای دینی است.

اهمیت اتحاد در تشکیل دولت‌ها و در تشکیل ملت‌ها، به‌عنوان عنصر اساسی در فرهنگ اسلامی برمی‌تابد؛ لذا جایی که اختلاف است، در آن‌جا دولت اسلامی تشکیل نمی‌شود.

چالش‌های زیادی در مسیر علماست؛ که در رأس آن توحید اُمّت است و من یقین دارم در قسمت صلح، ما باید همه بکوشیم که در کشور مان صلح بیاید، علمای دینی ما نقش بسیار سازنده‌ای را در صلح دارند.

نقش علمای دین در خاموش ساختن آتش جنگ بسیار ارزشناک است؛ لذا باید علما حرکت بکنند و تنها به یک موضعگیری‌های مقطعی اکتفا نکنند؛ بلکه باید به‌صورتِ بسیار دوامدار، برای تأمین صلح و امنیت کار بکنند.

من یقین دارم که ادامهٔ جنگ، حمایت از حضور خارجی در افغانستان خواهد بود، کسی که جنگ را ادامه می‌دهد، حضور خارجی را حمایت می‌کند.

خاموش‌نشستن و زیر بار ظلم و تجاوز رفتن، در قاموس انسان‌های آزاد و مسلمانان راستین وجود ندارد.

جوان سرمایه بزرگ یک جامعه است. هیچ جامعه‌ای سرمایه‌ای بزرگ‌تر از نسل جوان ندارد. نسل جوان وارث یک ملت است. وارث فرهنگ است. وارث انقلاب است.

منبر، مکان سنگر را گرفته و قلم عهده‌دار مسلسل و خم‌پاره شده است. جداً متوجه باشید مسئولیت امروز بسی مشکل‌تر از کار دیروز است.

در اسلام، قطعاً مسئله پشتون، تاجیک، هزاره و ازبک و.. مطرح نیست؛ این پلان‌های شوم استعمار است، فریب نخورید و بیدار باشید.

اهداف جمعیت اسلامی افغانستان از ارزش‌های والای دینی سرچشمه می‌گیرد

دین عبارت از یک سلسله اصول ثابت، اجتهاد متحول و فقه متغیر است.

وقت آن فرا رسیده، تا همه افغان‌ها راهکاری را برای بهتر شدن اوضاع پیدا کنند. زمان آن فرا رسیده، تا علما و نخبگان، تعریف صحیح از اسلام ناب ارایه کنند؛ تا فضا بر جریان افراط تنگ

شود.

داعی باید در برابر هجوم مصیبت‌ها صبر کند. این بدان معنا نیست که داعی مسلمان، خود را هدف تیر بلا و مصیبت قرار داده و به نام اینکه شکیباً، صابر و یا شجاع و انقلابی است، به دنبال هر مصیبتی بدود.

یک مسلمان مجاهد در عین حال که از رنج و محنت نمی‌هراسد، مکلف است که خود را از وقوع فتنه و مصیبت هم نجات دهد.

اسلام برای انسان جز سعادت و صلح، چیز دیگری نمی‌خواهد. اسلام خطری برای امنیت و صلح جهانی نیست. در حالی که در مغرب‌زمین صدای جنگ را بلند می‌کردند، اسلام پیام صلح و گفت‌وگوی میان ادیان و تمدن‌ها را اعلان می‌کرد.

در روابط بین‌المللی، ما نباید روابط را به اساس زورآزمایی و کشمکش بنا کنیم؛ زیرا این به نفع هیچ کشوری نخواهد بود.

اگر انسان از محیط دین خارج شد، در قید صدها عبودیت و بندگی دیگر قرار می‌گیرد.

کارهای پراکنده و سازمان نیافته اثربخش نیست.

ما در افغانستان باید به ارزش های دینی، فکری و فرهنگی خود سخت ارزش بدهیم و برای بسیج و حفظ تشکلات خود، سخت متوجه باشیم.

ملت ها پایه قدرت اند؛ تا زمانیکه یک رژیم سیاسی، ملت را با خود نداشته باشد. اگر تمام دنیا از او حمایت کند، نمی تواند به پای خود بایستد.

کسانی که می خواهند در رأس تحولات و رهبری جوامع قرار بگیرند. باید به ملت ها ارزش بدهند.

اجازه ندهیم که کشمکش های زبانی و قومی دامن زده شود.

شکی نیست که نسل جوان، از گران بهاترین سرمایه های کشورها و ملت هاست.

همه باید مشقت واحدی در برابر همه توطیه ها باشیم و اجازه ندهیم که توطیه گر ها یکی ما را نشانه قرار دهند.

علمای محترم، به عنوان یک ضرورت اساسی، در حفظ ارزش‌های اسلامی و در حفظ امنیت و ثبات سیاسی کشور و در حفظ تاریخ و فرهنگ و وحدت ملت مسلمان افغانستان بکوشند.

در افغانستان سیاست‌های ما باید توسط ملت ما تعریف شود، نه به وسیله کدام کشور خارجی.

یقیناً بسیاری از مشکلات اجتماعی و سیاسی به علت عدم دانش و فهم اسلامی است.

امروز در جوامع اسلامی، اختلافات زیادی به نام منطقه، نژاد و زبان به میان آمده که این اختلافات از جمله دردها و مصیبت‌های بزرگی است که دامن گیر جهان اسلام شده است.

ملت‌هایی که در رگ‌های‌شان احساس آزادی و عزت در حرکت است، آن‌ها به ذلت تسلیم نمی‌شوند.

امیر المؤمنین ابوبکر ~ از نخستین اصحاب باصفا و از یاران راستین پیغمبر Y و از مردان بزرگ تاریخ بشریت است.

امیرالمؤمنین عثمان بن عفان ~ از جمله آن اصحاب باصفای پیغمبر Y است که در سنگر پرافتخار ایمان به خدا، آماده هرنوع فداکاری شد.

ما می خواهیم نظامی به میان بیاید که به خاطر خیر انسان، تأمین عدالت، رشد و پیشرفت انسان، در همه عرصه های زندگی بر اساس هدایات الهی باشد.

ما کشورمان را بازار لایلمی فروشی کشورهای دیگر نمی سازیم؛ که هرچیزی در بازار دیگر کهنه شد. ما آن را وارد نمایم.

انتحارکننده مرتکب دو گناه کبیره می شود که یکی قتل خودش بوده و دیگری کشتن دیگران و این جنایتی است مضاعف.

باید به خانواده شهدای عزیز جهاد و مقاومت و معلولین انقلاب توجه جدی مبذول گردد و جایگاه جهادگران عزیز در چوکات اردوی ملی افغانستان از همین حالا معین گردد.

مسیر جمعیت با عشق و امید و با خون شهدا رنگین شده و یکی از جریان های پرافتخار این سرزمین است که با ارزش های تاریخی این کشور حک شده است.

هشتم ثور؛ پیام آور یک انقلاب اجتماعی بوده، پیام برادری و برابری شهروندی همه باشندگان این سرزمین و رسمیت یافتن حقوق مساویانه تمام مردم جامعه ما در مدیریت و سیاست کشور.

زلزله‌ای که در هفتم ثور ۱۳۵۷ کشور ما را فرا گرفت، تا هنوز آرام نگرفته است. هنوز هم صدای فیر گلوله‌ها، از جنگ و ناآرامی و خون‌ریزی حکایت می‌کند. هنوز هم کودکان یتیم می‌شوند و مردم به خاک و خون می‌غلطند. هنوز هم فقر و بیکاری، گلوی شمار فراوانی از هموطنان را می‌فشرد. هنوز هم ما به امنیت و یک حکومت باثبات و اداره سالم دست نیافته‌ایم. هنوز هم قدرت‌های بیرونی برای مردم ما در تاریک‌خانه‌ها نقشه می‌کشند.

این روز (هشتم ثور) تجسم آزادی‌خواهی ملت مجاهد و سرفراز افغانستان است. روزی است که مردم دربند افغانستان، به آرمان دیرین خود؛ یعنی آزادی وطن - که آرزوی صدها هزار شهید و معلول و یتیم بود - دست یافتند.

ملت مسلمان افغانستان همیشه در برابر اشغالگران و دشمنانی که دست تجاوز بر سرزمین ما دراز کردند و استقلال و کرامت مردم

ما را با تهدید روبه‌رو ساختند، به‌پا خاسته و با ایثار و قربانی از سرزمین و استقلال خویش دفاع کردند، این آزادی‌خواهی و ایثارگری مایهٔ افتخار و سرفرازی ملت ماست.

حقانیتِ جهاد افغانستان مورد توافق اکثریت قریب به اتفاق مردم ما قرار گرفت. آن اجماع رأیی که در جهاد افغانستان به‌میان آمد، در تاریخ کشور ما بی‌سابقه است. اکثریت قاطع مردم افغانستان در جهاد سهم گرفتند و قربانی دادند، دو میلیون شهید، میلیون‌ها زخمی و معلول و میلیون‌ها مهاجر و آواره، قربانی‌های بزرگی بود که ملت افغانستان برای جهاد پرداخت.

جهاد افغانستان که سال‌ها به‌عنوان مهم‌ترین رویداد بین‌المللی مطرح بود و الگوی پیروزمند آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی را در جهان، مخصوصاً در میان کشورها و ملت‌های مسلمان به‌میان آورد. کشورها و گروه‌های در سطح منطقه و جهان در برابر آن به مخالفت برخاستند، این دشمنان با طرح‌های درازمدت، مشغول دسیسه‌سازی علیه جهاد بودند، در نتیجهٔ این دسیسه‌ها و هم‌چنان در نتیجهٔ عملکرد عاقبت‌نپندیشانه و خودسرانهٔ شماری از گروه‌ها و عناصر خودخواه، حکومت مجاهدین نتوانست در جهت تحقق آرمان‌های جهاد به‌صورت مطلوب توفیق حاصل کند.

جهاد افغانستان الگوی عملی ای را برای وحدت ملی افغانستان به میان آورده است، اکنون این الگو می تواند سرمشقی باشد برای ساختن یک افغانستانی که در آن همه شهروندان، به صورت برادر و برابر، در پهلوی هم قرار گیرند و وطن شان را به سوی آبادی و پیشرفت رهنمون شوند.

شهادا و معلولین و بازماندگان آنان، دین بزرگی بر گردن نسل کنونی دارند، مسئولیت همه ما است که یاد و خاطره جاویدان مبارزات حماسه آفرین مجاهدین را گرامی بداریم و از آرمان های اسلامی و ملی آنان پاسداری کنیم.

در میان حوادث تاریخی کشور عزیزمان، قیام خونین دلیرمردان و شیرزنان با فرهنگ هرات باستان، نقطه عطفی است در رستاخیز بزرگ اسلامی و ملی ملت افغانستان؛ که سرانجام منجر به شکست تهاجم قشون سرخ گردید.

اگر فرزندان آزاده و مؤمن افغانستان در چنین قیام های خونین (قیام ۲۴ حوت) شرکت نمی جستند و به دفاع از استقلال و آزادی، دین و فرهنگ خویش جان های شیرین شان را قربان نمی کردند، دیگر امروز افغانستان مستقل و ملت آزاد آن را

نمی داشتیم.

ملّتی اراده کند، تا آزاد و سربلند زندگی کند، همه موانع را از سر راه خود نابود و همه قیدها و زنجیرها را درهم می شکند و از قلب ظلمت ها و ناامیدی ها، شعله های فروزان نور و امیدواری را به درخشیدن فرا می خواند.

بر وارثان شهیدان است که اجازه مدهند که شعله های حق و آزادی را که به خون خویش روشن ساخته اند، خاموش گردد.

سرنوشت انسان مشرک و بریده از رابطه با آفریدگار هستی؛ به موجودی می ماند که از بلندای آسمان عَظَمَت و جلال، رو به زمین سقوط و ضلالت فرو می افتد و در این مسیر سقوط، یا شکار اختطاف طایری می گردد و یا سرراست در پرتگاه عمیق، سقوط می کند و نابود می شود.

شرک و بی خدایی عامل سقوط و تباهی است.

یقیناً در پناه تقوی و عبادت است که انسان مؤمن پا بر نردبان عروج و کمال انسانی و به عنوان تاج آفرینش و خلیفه خدا در زمین، به مقام شایسته خویش نایل می گردد.

تقوی، مؤمن را از حریم حرام دور نگهداشته و در برابر ارتکاب معاصی برایش مصونیت فراهم می‌کند.

فرارسیدن عید و از سرگرفتن حیات عادی و استفاده از نعمات الهی، بعد از یک ماه روزه و مهار ساختن همه غرایز، بیانگر این حقیقت است که حیات در اسلام، تابلوی یک‌رنگ و سیر یک‌نواخت و مکرر نیست.

عید مسلمان طغیان و تمرّد نیست؛ بلکه نوع دیگری از تقوی و تجرّد است.

عید مظهر پیوند عمیق و ناگسستنی میان دین و دنیا، ماده و معنی در تعالیم دینی است.

عید قربان تنها یادبود حیرت‌انگیزترین حادثه و ماجرای تاریخ نیست؛ بلکه سرآغاز یک دوره مهم و ماندگار تاریخ است، که سه دین بزرگ آسمانی - اسلام، یهودیت و مسیحیت - آن را گرامی می‌دارند و آغازگر این دوره تاریخ و نسل و سلاله این عید بزرگ، به این بزرگمرد؛ یعنی ابوالانبیاء ابراهیم خلیل Z گره خورده است.

پدیده‌ها و دستاوردهای بزرگ تاریخ، حاصل زندگی انسان‌های طفیلی و مفت‌خوار نبوده؛ بلکه محصول رنج‌های فراوانِ مردان بزرگ و صبور و مقاومی است که در گذرگاه پرخم و پیچ زندگی، با پایمردی و مقاومت از میان صخره‌ها، زمزم حیات را جاری ساخته و از اعماق ظلمت و تاریکی‌ها، فروغِ ابدیت را روشن کرده و در دل یأس و ناامیدی‌ها، کعبهٔ امید و آرزوی دل‌ها را آباد کرده‌اند.

حیات ابراهیم Z از صبحگاه جوانی، در عراق تا تعمیر بیت‌الحرام، دفتر بزرگی از درس‌ها و آموزه‌ها در مسیر تکامل و عروج انسان است.

تا زمانی که تغییرات و اصلاحات را در خود ایجاد نکنیم، نمی‌توانیم منتظر بهتر شدن اوضاع و احوال خود باشیم.

من یقین کامل دارم که اعمال وحشیانهٔ دشمن، ارادهٔ خلل‌ناپذیر ملت مسلمان افغانستان را در دفاع از سرزمین و زندگی‌شان سست نخواهد کرد.

ملت شجاع و غیور افغانستان باید با همدلی و برادری، در برابر توطیه‌های جنایت‌کارانه بایستند و نگذارند که دشمن بتواند به اهدافش برسد.

جمعیت اسلامی و ملت مسلمان و آزاده افغانستان در مبارزه برضد تروریزم، قربانی‌های بی‌شماری داده و رنج‌های فراوان از آن برده‌است، به‌ویژه در هنگامی که جمعیت رهبری کشور را به‌عهده داشت.

شما در عصری، زندگی می‌کنید که بشریت در عرصه دانش مادی و تکنولوژی به پیشرفت‌های بزرگ و حیرت‌آوری دست یافته‌است؛ اما از لحاظ اخلاق و معنویت و ارزش‌های انسانی در مرتبه‌ای، پایین‌تر از درندگان قرار دارد و اگر مسیر تمدن و زندگی انسانی به این‌گونه، به‌دور از معنویت و ارزش‌ها ادامه یابد، بلاشک که جهان و تمدن انسانی به‌دست خود انسان در پرتگاه عمیق تباهی سقوط خواهد کرد.

فقط با اتکا به ارزش‌های اسلامی و معنوی - که اسلام و ادیان برحق الهی به آن هدایت کرده‌است - می‌توان صلح و امنیت، خوشبختی و سعادت انسان را در جهان تضمین کرد.

جهاد در فرهنگ دینی ما تنها ابزاری برای سرکوب یک گروه عصبیانگر نیست؛ بلکه جهاد یک حرکت آزادی بخش برای دفاع از حقوق مظلومین، نشر و پخش حقیقت، دفاع از دین و فرهنگ و ارزش های انسانی است.

اگر یک مسلمان در دفاع از ارزش های دین اسلام شهید شود، نزد خداوند بسیار ارزش بزرگ دارد.

کسانی که در دفاع از ارزش های دین اسلام شهید می شوند، خداوند آنان را عزّت و درجۀ اعلیٰ نصیب شان می گرداند.

مسئله صلح و سلامتی انسان و جامعه، جزء فرهنگ اساسی اسلامی است.

توطیه هایی که از بیرون مرزها، بی رحمانه علیه مجاهدین صورت گرفت و جنگ هایی که بر آنان تحمیل شد، اصلاً مورد ارزیابی قرار نمی گیرد؛ در حالی که می بینیم، جنگ امروز و جنگ دوران مقاومت؛ تفاوتی ندارد.

چیزی را که باید همه بدانیم، رسالت اسلامی، ایمانی و تاریخی مان است که نباید در نیمه راه بماند.

هیچ مسلمانی نمی‌پذیرد که آرمان‌های شهدا و رنج‌هایی را که ملتش متحمل شده‌است، هدر برود.

باید سیاست‌ها به گونه‌ی سنجیده‌شده پی‌ریزی شود؛ تا در تناقض با منافع ملی و ارزش‌های دینی ما قرار نگیرد.

ما در برابر طاعون عصر، تروریزم قرار داریم؛ اما باید ریشه‌های تروریزم را جست‌وجو کرد، بخشی از عوامل آن در وجود خود ما و بخش دیگری از آن در خارج و در توطیه‌های دیگران قرار دارد.

باید توجه داشت که فرهنگ دینی ما، فرهنگ صلح و اخوت و فرهنگ دوستی است.

امروز ما بیش از دیروز به انتقاد از خود نیاز داریم؛ اگر به عنوان مذهبی‌ایم و اگر به عنوان لیبرال، همه باید از خود انتقاد کنند. باید اختلافات خود را در فضای صلح‌آمیز حل کنند.

مشکلات ملی‌مان را باید بر مبنای فرهنگ دینی و عنعنات پسندیده ملی حل بکنیم.

باید ما حساب زمامداران را از حساب ملت‌ها جدا سازیم.

ما امیدواریم شاهد روزهای باشیم که دیگر به خون‌افتادنِ طفل و زن، جوان و یا عالم دینی و یا شخص دیگری را نبینیم.

به انتظار آن روزی هستیم که فضای بی‌اعتمادی از میان کشورهای ما برای همیشه رخت بپندد و فضای صلح و اخوت در میان ملت‌های ما حاکم گردد.

مُبارزه و مُقاومتِ خونینِ ملتِ مظلوم افغانستان، در برابر شوروی سابق، تنها منحصر به ملت افغانستان نیست؛ بلکه متعلق به همهٔ امت اسلامی است.

اصلاً اسلام و پیام وی، نجاتِ حیات و انسانیت است.

دعوت به‌سوی مُبارزه و جهاد، در منطق اسلام به‌عنوان یک حرکت حیات‌بخش است و به این اساس در فرهنگ اسلامی و در فرهنگ مُبارزه، زندگی و مرگ یکسان است.

ما امروز در برابر تجاوز دیگری قرار گرفته‌ایم، تجاوز فرهنگی، که بسیار خطرناک است. در چنین وضعیتی لازم است، بار دیگر نسل جوان ما به‌عنوان سپاهیان دلیر در سنگر دفاع از دین و دستاوردهای شهیدان خویش قرار گیرند.

من اطمینان دارم که توطیه‌های دشمنان دین نمی‌تواند به پیروزی برسد.

دین سرکوبگر نیست؛ بلکه می‌خواهد در برابر استبداد و استعمارگران مقاومت کند و اجازه ندهد به سرنوشت مسلمانان، بی‌رحمانه و ظالمانه بازی کنند. این منطق جهاد و مبارزه اسلام است.

اخوت و برادری در اسلام، یک شعار نیست؛ بلکه یک استراتژی است.

یاران مهاجر پیامبر Y که اساس بزرگ‌ترین پیروزی را به رهبری پیشوای محبوب‌شان گذاشتند، عاملی که این پیروزی را در آنان به‌وجود آورد، برادری و ایثار بود.

ما امروز در جهانی به سر می‌بریم که پر از توطیه است؛ اما توطیه‌ها تازه نیست؛ از گذشته‌های دُور در گذرگاه تاریخ، مسلمانان هدف توطیه‌های دشمنان قرار داشتند؛ اما عمده‌ترین چالشی که بنیاد امت اسلامی را تکان می‌دهد، اختلاف است.

یکی از اصول اساسی در نظام فکری و سیاسی اسلام، حریت فکری است.

چلنج خطرناک مسلمانان اختلافات است. اختلافات را کسانی به وجود آوردند که به اصول و ارزش‌های دینی عمیقاً آگاهی نداشتند.

دست‌های ناپاکی هستند که می‌خواهند عناصر مؤمن و دل‌سوزی را که آرزوی خدمت به وطن عزیز خود را دارند، با توطیه‌هایی شوم و ننگین از میان مردم مظلوم ما ناجوانمردانه نابود سازند؛ تا ملت محروم ما را محروم‌تر سازند.

سرمایه‌های بزرگ هر ملت، شخصیت‌ها و سیاست‌مداران، اندیشمندان، علما، جهادگران و دل‌سوزان آن ملت‌اند. این سرمایه‌ها به هیچ وجه با سرمایه‌های مادی قابل مقایسه نیستند.

بدون انتقاد هیچ اصلاحی در هیچ جایی به میان نمی آید. یکی از اصول عمده در نظام سیاسی اسلام، محاسبه از خود و نقادی از خود و امر به معروف و نهی از منکر از دیگران است.

زمانی که انسان از خداوند بترسد و تقوی پیشه کند، خداوند وی را دانش می آموزاند. چه بسا انسان هایی را می شناسم که نزد هیچ معلمی زانو نزده اند و هیچ کتابی هم نخوانده اند؛ اما انسان های پرهیزگار، باتقوی و خداپرست بودند و خداوند برای شان دانش عطا کرد.

اطمینان داریم که ملت ما تا کنون با عظمت و سربلندی گام برداشته است و جریان تاریخ، سیر و تکامل خویش را پیمودنی است و هیچ چیزی نمی تواند مانع رسیدن آن به قله های سربلندی و عزت گردد.

ما مطمئنیم که ملت ما در برابر آزمون های بسیار بزرگ و دشمنان خطرناک، با شهامت ایستادگی کرده است؛ لذا هیچ گاهی در برابر هیچ گونه چالشی عقب نشینی نخواهد کرد.

دفاع از دستاوردهای جهاد و مقاومت، وجیه و رسالت ماست و باید نگذاریم که کشور ما باز به میدان بدامنی ها و مداخلات

بیگانگان مبدل شود.

شکی نیست که دشمنان امنیت و ثبات کشور، به دنبال بهانه جویی اند و می خواهند کشور ما باز شاهد صحنه های جنگ و بدبختی باشد، بناءً ما باید جلو آنها را بگیریم.

برای همه کشورهای دوست باید برسانیم که تمسک ملی مردم ما به ارزش های دینی و جهادی شان، کلید تأمین امنیت در کشور است.

هر حرکتی که علیه ارزش های دینی ما صورت بگیرد، یقیناً حربه ای را به دست دشمنان صلح و ثبات این کشور می دهد.

شهیدان در تاریخ با خون پاک شان، حماسه های بزرگی را رقم زده اند و در پیشگاه خدا و در وجدان ملت ها و در ضمیر تاریخ، آنها برای همیشه زنده اند. یاد آنان زینت بخش فرهنگ و ادبیات سخن سخنوران و شعر شاعران و مضمون نویسندگان است.

اگر ما زمانی به تاریخ جهاد و مقاومت کشورمان نظری بیفکنیم، درمی یابیم که این دوران نه تنها دوران مبارزه مسلحانه بوده است؛ بلکه فرهنگی را ایجاد کرد که اشعار حماسی دوران جهاد و

مُقاوَمَت و اشعار عرفانی و ادبی که به یاد شهیدانِ زنده‌یاد سروده شد، موجب درخشش هرچه بیشتر فرهنگ کشور ما گردید.

یقیناً شعر و نثر و.. در ادبیات حماسی فرهنگ ملت‌ها، یکی از افتخارات بزرگ است و ملت‌های آزادی‌خواه همواره می‌کوشند، تا حماسه‌آفرینی قهرمانان آزادی‌خواه‌شان را با قلم و اندیشه و سُرودن اشعار، زنده نگه دارند.

مسئولیت همهٔ ماوشما این است، تا در راستای آبادانی این کشور تلاش کنیم و نگذاریم که کشور ما بار دیگر آماج مداخلات بیگانگان گردد.

ملت ما همان‌گونه که در راستای آزادی و استقلال این کشور قربانی داد و «معجزهٔ قرن» را آفرید، بایسته‌است تا دست‌به‌دست هم داده بکوشد که در تمام عرصه‌ها مبتکر و نیز سازنده باشد.

یقین دارم که ملت مؤمن، نسل متعهد و انسان‌های دل‌سوز این کشور، همیشه برای برآوردن آرمان شهیدان تلاش خواهند کرد و ملت ما شهیدانش را نه تنها به‌عنوان یک خاطرهٔ باارزش در ذهنش حفظ می‌کند، که به‌عنوان یک مکتب و یک ایدیولوژی، راه آنان را تعقیب خواهد کرد.

کشور ما مرهون ایثار و فداکاری یک تعداد از فرزندان آزاده و دل‌باخته جهاد و قیام و مُبارزه‌است که جان‌های‌شان را در راه جهاد و مُبارزه از دست دادند.

احساس مُبارزه یک موهبت الهی و فضل و احسان اوست؛ که خداوند ' برای بندگان خود عطا می‌کند.

همه تحولات کنونی، ناگهانی از زمین نرویده‌است؛ بلکه محصول رنج‌ها، محصول زحمت‌ها، محصول قبول زندان‌ها، شکنجه‌ها، آوارگی‌ها، دربه‌دری‌ها و محصول زحمت هزاران فرزندان دل‌سوز و باایمان این سرزمین است که دره‌به‌دره، کوه‌به‌کوه در برابر دشمنان مختلف مُبارزه کردند.

شکی نیست که بحران‌ها از زمین سر نمی‌کشند؛ بلکه بحران‌ها مولود حرکت‌های دوام‌دار و متداومی‌اند که پس از تراکم فسادهایی مانند: فساد اداری، فساد اقتصادی، فساد اجتماعی و فساد اخلاقی رشد می‌کنند و سپس توفان آسا، زلزله‌ای را ایجاد می‌کنند.

در هر جامعه عناصر مُبارز و مؤمنی هم وجود می‌داشته باشند که با دید تیزبین و چشم‌های دوربین، حوادث را بررسی و جریان‌های اجتماعی را تحلیل می‌کنند. راستی اگر اوضاع یک جامعه توسط افراد و کتله‌های دل‌سوز بررسی و تحلیل نشود، راه‌حلی برای امواج سیاسی، فکری، اجتماعی و مشکلات اقتصادی پیدا نخواهد شد.

فراموش نکردن شخصیت‌های مبارز، مفکر، انقلابی، دل‌سوز و زمامداران مبتکر و وطن‌دوست، چه در حیات‌شان و چه پس از مرگ‌شان، از ویژگی‌های جوامع متمدن و پیشرفته به شمار می‌آید.

بدون شک بدبخت‌ترین جامعه، جامعه‌ای است که شخصیت‌های باعظمت خود را نه در حیات‌شان قدر می‌کنند و نه پس از مرگ‌شان. این چنین جوامعی از جمله جوامع مرده به شمار می‌روند. دیگر این انسان‌ها در تاریخ و در میان جوامع و ملت‌ها جایگاهی ندارند؛ زیرا زمانی انسان قدر نشود، ارزش‌ها قدر نمی‌شود.

نسل جوان ما می‌تواند از طریق کارنامه‌های شخصیت‌های خود و از طریق شناسایی تاریخ و شخصیت آنان، آینده باسعادت و

نیکو را به دست بیاورند.

پیش از اینکه شما از دانش قدردانی کنید، باید دانشمند را قدر کنید؛ زیرا اگر دانشمند تقدیر نشود، دانش نیز تقدیر نمی شود.

بدون شک ما مسلمانان به ارزش قدرت علم و تکنالوژی و تلاش برای به دست آوردن آن معتقدیم؛ اما باید تکیه اساسی ما بر عقیده و ایمان باشد.

زمانی که ما یک مجاهد و مبارز می سازیم، باید تکیه گاه اصلی، عقیده ایمانی وی باشد.

رستاخیز ملت بزرگ سرافراز افغانستان در برابر تهاجم قشون سرخ، به حق که از بزرگ ترین حماسه های تاریخ؛ نه تنها به سطح افغانستان؛ بلکه به تعبیر شماری از سیاستمداران معجزه ای بود در دوران نبود معجزه ها و تحولات بزرگی که بعد از این قیام در جهان به ظهور آمد.

دلاورمردانی را که در سنگر دفاع از دین، آزادی و خون خویش جنگیده اند، نباید جنگجو بنامیم؛ آنان مردان صلح دوست بودند که به خاطر آن در سنگرهای دفاع از آزادی، سربلندی و عزت

ملت‌شان و صلح جهانی مُبارزه کردند.

ریختاندن خون هیچ انسانی به ناحق جایز نیست.

عزت و کرامت انسانی محترم است، برابر است که او یهودی باشد یا مسیحی یا مسلمان.

اگر طرفدار امنیت در این کشورید، باید برای تأمین امنیت از آن نیروهای مخلص، مؤمن و متعهدی که طی دورهٔ پرافتخار تاریخ افغانستان، مسئولانه و متعهدانه در حمایت و دفاع از آزادی و عزت این کشور، فداکاری‌های زیادی کرده‌اند، کار گرفت، نباید آنان از صحنه دور شوند.

در تأمین امنیت و تحکیم ثبات و تشکیل دولت باثبات سخت بکوشید؛ چون تشکیل دولت باثبات در اسلام یک فریضه است، آنارشیزم عمل ناروا از نظر اسلام است.

همان‌گونه که دیروز مانند فرشتگان نجات در دفاع از این کشور مُبارزه کردید، امروز به‌عنوان پاسداران صادق و مخلص، در استحکام امنیت و ثبات سیاسی در کشورتان جداً سعی و تلاش ورزید.

ما یک ملت واحدیم، تروریزم یک تیوری است، تروریزم مربوط به ملیّت ویژه‌ای نیست که گفته شود، مربوط به جنوب و یا پشتون‌هاست. در حالی که عناصر تروریست چه تاجیک، هزاره، پشتون و.. باشند، مربوط به ما نیستند، آن‌ها مربوط به یک صف و سنگر خاص خود می‌باشند.

در وحدت و یکپارچگی باید جداً بکوشیم و ملت خویش را متحد نگاه داریم.

این ملت توانست در برابر قدرت اشغالگر قشون سرخ از خود دفاع کند، در برابر هر خس و خاشاکی که تحت هر نامی که بوده باشد، نیز می‌تواند به قدرت از خود دفاع کند.

ملت‌هایی که به قرآن تمسک می‌جویند، مطمئناً در میان ملت‌های باعظمت، قدرتمند و ملت‌هایی قرار خواهند گرفت که در میان سایر ملل به اصطلاح چند گز و چند قد بالاتر حضور دارند.

مسلمانان به این باورند که انسان به عنوان انسان از خود حقوقی دارد، از این رو هیچ‌کسی نمی‌تواند که حقوق انسانی دیگران را نادیده بگیرد؛ چون احترام به حقوق انسان از جمله ارزش‌ها و

مُعْتَقَدَات دینی مسلمانان است.

قرآن کتاب جهانی، انسان ساز و بالآخره کتابی است که افق جدید را در برابر انسان قرار می دهد، افق نور، هدایت و رسیدن به یک زندگی بسیار باعْظَمَت و باارزش را، به این اساس ما باید همگی مسئولیت های خویش را در برابر این کتاب بزرگ و این هدیه و موهبت الهی درک کنیم.

قرآن سرچشمه هدایت و نور و وسیله نجات بشریت از تاریکی های جهل و نادانی است.

باید انسان راجع به پیچیده ترین مسایل، قرآن را رهنمای خود قرار بدهد.

قرآن کتاب جهانی و سپس کتاب علما و دانشمندان است. بناءً دانشگاه ها و دانشجویان، باید سخت متوجه باشند که مخاطبان اصلی این کتاب آنان اند؛ تا توسط این کتاب جامعه، جهان و کشورشان را بسازند.

قرآن کریم پایه تعقل و تمدن است.

در ساختار جوامع اسلامی، پایندبودن به ارزش های دینی، بسیار مؤثر است.

باید متوجّه باشیم که کشورمان را بر مبنای ارزش های اعتقادی و دینی و تعالیم والای اسلامی و بر مبنای خواسته های ملت خویش بسازیم.

در فرهنگ و نظام دینی اسلام، مأمور و شخص مکلف، به آسانی از محیط نظارتی که خداوند وضع کرده است، هرگز خود را کشیده نمی تواند.

یکی از مشکلاتی که امروز دامن گیر جوامع انسانی است، فساد اداری است و بدون شک مبارزه با فساد اداری یکی از مسئولیت های عمده نظام هاست.

فساد اداری تنها در کشورهای عقب مانده مشکل آفرین نیست؛ بلکه این مشکل در سطح جهان مطرح است. حتی سازمان ملل متحد که به اصطلاح نمادی از وحدت جهانی است و همه کشورهای دنیا در آن سهم دارند، عمده ترین مشکل در آن، فساد اداری است.

اگر ما بخواهیم که خوشبختی و سعادت‌مندی بر جوامع انسانی حاکم باشد، باید در پهلوی دستاوردهای علمی و فرهنگی، به ارزش‌های دینی‌مان نیز متکی باشیم.

هرگاه شما در جامعه‌تان مطابق به‌دست‌داشته‌های علمی‌تان عمل کنید، مطمئناً تحوّل بزرگ و اصلاح فراگیر را در جامعه به‌میان می‌آورید.

مُبَارَزَه با فساد تنها وظیفه‌ی اداری نیست؛ بلکه آن یک نظارت ملی است و همه‌ی مسلمانان مکلفیّت دارند، در هرجایی که مُنْكَر، فساد و انحراف را می‌بینند، در برابر آن قرار بگیرند.

آزادی عقیده، یک ارزشی است که همه باید به آن احترام کنند.

علم اگر در خدمت انسان، وجدان و معنویت بود، برای پیشرفت انسان دست و بازو می‌شود و اگر در خدمت هوا و هوس و ظلم و استبداد بود، همان است که مصیبتی می‌شود.

جَهاد و مُبَارَزَه از نظر فرهنگ و معارف اسلامی - به مفهوم جامع و همه‌گیرِ آن - اصل عمده‌ای است از اصول اسلامی.

زندگی مسلمان که فاقد جهاد، نیت و روحیهٔ مبارزه باشد، حیاتی است جاهلی.

مُبَارَزَهٗ اسلامی در حدّ اعلای کمال قرار دارد و هرگاه مُبَارَزَهٗ‌ای را از چشم دید اسلام بررسی کنیم، مفاهیم زیادی که لازمهٔ مُبَارَزَهٗ اسلامی است، در ذهن ما مُتْعَكَس می‌گردد.

در انتخاب اسلوبی که باعث پیروزی دعوت می‌گردد، باید دَقّت صورت بگیرد. جایی که حُجّت و بیان، وسیلهٔ هدایت گردد، استخدام سِلَاح، موافق حکمتِ دعوت نیست.

اگر داعی به مرام و هدف و طرز کار خود آشنا نباشد، چه بسا که تصوّرات شخصی خود را به عنوان اصول اعتقادی و عمل تقدیم کرده و مرتکب انحرافات جبران‌ناپذیری می‌گردد.

خلوص نیت در مُبَارَزَهٗ، از مسایل بنیادی است، مسلمانان مبارز، در مُبَارَزَهٗ خود یک هدف عالی را در نظر دارند و آن، همانا برافراشتن پرچمِ توحید و حصول رضای خداوند است.

مُبَارَزَهٗ‌ای که به خاطر کسبِ نام و شهرت، اظهار بهادری و شجاعت، تلاش برای به دست آوردن غنایم مادی و تصاحبِ

سُلطه و قدرت باشد، در نظر اسلام ارزشی ندارد، نماز و نیاز، تلاش و فعالیت یک مبارز مسلمان، قربانی و فداکاری او، بالآخره مرگ و زندگی او، خاص به منظور رضای خداوند می باشد.

مسلمان مبارز، اجر و پاداش خود را خاص از خداوند مُتَعَال می خواهد و این پاداش را خداوند از باب احسان و فضل خود، به بنده مجاهدش می دهد و اِلَّا یک مبارز جز ادای مسئولیت و انجام وظیفه، چیز دیگری را انجام نداده است.

مسلمان مبارز، به خاطر نام و شهرت، مقام و قدرت و مطامع دیگر، جهاد و مُبارزه نمی کند؛ بل او فقط به خاطر کسب رضای خدا مُبارزه می کند.

تاریخ به یاد دارد که شهرت خواهی و جنون قدرت طلبی، همیشه باعث ویرانی و تباهی شده، آن عده از افراد و گروه هایی که تحت این عناوین مُبارزه کرده اند، مرتکب جنایات ننگین و شرم آوری شده اند که یاد آن ضمیر بشریت را غرق در خجالت و شرمساری می کند.

موضوع رسیدن به قدرت، در مُبارزه اسلامی، تنها به خاطر حاکمیت بخشیدن احکام خدا و غلبه حق بر باطل بوده و قدرت

در مُبارَزَه اسلامی وسیله است، نه غایه.

پس مسلمان مبارز هوشیارانه گام بر می‌دارد. مسایل را درست تشخیص کرده و راه و چاره حلّ آن را خوب می‌سنجد.

هوشیاری در مُبارَزَه؛ به معنای در گوشه عافیت نشستن و با پای مورچه راه رفتن و جُبْن و بزدلی اختیار کردن نیست؛ بلکه هوشیاری در مُبارَزَه این است که مسلمان ابتکار عمل را به دست دشمن ندهد و ساعتِ صفر را توسط او تعیین نکند.

آنان که چون کور خیز بیجا زده و به نام انقلاب اسلامی طریق نامُقَدّسی را انتخاب می‌کنند، باید آگاه و مُطَّلِع باشند که اعمال آنان در حقیقت، سندِ محکومیتِ نَهْضَتِ اسلامی را فراهم کرده و بدین ترتیب مسلمانان را در انظارِ جهانیان، عناصر جاهل و نادان و بی‌درک مُعَرَّفی خواهند کرد.

مبارَزَه اسلامی، خواهان ادراک سالم، بصیرت عمیق، نیت پاک، تقوای بی‌ریا، عمل برنامه‌ریزی شده، هوشیاری، استقامت و استواری است.

زعامت و قیادت را قرآن شایسته اشخاصی می‌داند که باثبات و پایداری در برابر تبهکاران، صبر و استقامت کرده‌اند.

برماست که شمرده و پایدار حرکت کنیم. دودلی و بی‌ثباتی را کنار گذاریم. با اراده ثابت و تصمیم استوار، گام برداریم و مطمئن باشیم که خداوند اعمال ما و تلاش‌های ما را ضایع نمی‌سازد.

اراده پولادین و تلاش مسلسل و پیگیر، راه را نزدیک و موانع را از سرِ راهِ ما دور می‌کند.

خدای توانا به نور تابناکِ هدایتِ خود، ظلمت‌های راه را نابود می‌کند.

مبارزانی که در سیمای‌شان برق امیدواری نمی‌تابد و آن عناصر جَبُون و بزدلی که معیار قضاوت و سنجش و امید و آرزوی‌شان خواب‌های طلایی!! باشد، تلاش‌شان بی‌حاصل و سعی‌شان بی‌ثمر است.

مسلمان مبارز، حقایق را با منطق و سوسه و گمان بررسی نمی‌کند. پلانِ رزم را بر اساس خواب‌های کاذبانه طرح نمی‌کند.

موفقیت و پیروزی را جز در لابه‌لای حقایق قرآنی و اخلاص سرشار خود جست‌وجو نمی‌کند. مُبارزه و جِهَادِ خود را صرف به‌خاطر تحصیل رضای خداوند انجام می‌دهد.

دین یک پیام و یک ندای الهی برای انسان به منظور قیام در برابر الحاد، کفر، بی‌دینی، فساد، استبداد و تمام زشتی‌هاست.

تدّین و دینداری، یکی از مبانی قیام‌ها در اُمّت اسلامی است.

ظلم‌نکردن و ظلم‌ستیزی به‌عنوان یک ارزش و یک اصل در دین مبین ماست.

آزادی در اسلام یکی از مبانی دین و یکی از موهبت‌های الهی و یک حق انسانی به حساب می‌آید و دفاع از آزادی یک وجیبه اسلامی است.

مسلمانان باید همیشه در حرکت و مُبارزه برضد ظلم، استبداد و بی‌عدالتی باشند.

قرآن‌کریم در میان مسلمانان به‌عنوان دستور آزادی‌بخش و بیدارگر، و قبله به‌عنوان مرکز قیام مسلمانان است.

مراکز تعلیم دینی، همه، به عنوان مراکز بیدارگری، در جهان اسلام بوده است.

باید مسلمان، همیشه در حالت حرکت و در حالت بیداری باشد، تسلیم پذیری مخالف اعتقادات ایمانی مسلمانان است.

باید همه دانشمند باشیم و این غرور آزادمنشی خود را در تحصیل علم و دانش باید سخت تقویت بکنیم.

عبودیت به هر شکلی که باشد، در فرهنگ دینی ما محکوم است.

جهاد در راه خدا، به معنای جهاد در راه آزادی، در راه دفاع از مظلوم، در راه دفاع از حق، در راه سرکوبی ستمگرانی که انسانان را اسیر می سازند، می باشد.

ملت های جاهل قیمت آزادی را نمی فهمند.

فقر و محرومیت و وابستگی اقتصادی، باعث بدبختی ها و از دست دادن تمام دستاوردهای استقلال سیاسی و آزادی سیاسی می شود.

ما باید دست به دست همدیگر بدهیم و به صلح و آشتی رو بیاوریم و امیدواریم که با این روحیه کشور خود را بسازیم و استقلال سیاسی خود را مکمل بسازیم.

بشریت خانواده خداست، کافر و مسلمان، سیاه و سفید، شرقی و غربی، همه جزء این خانواده‌اند، هیچ‌کسی نمی‌تواند، به نام مسلمان، کسی را از خانواده خود بیرون بکند.

تفکر حکومت اسلامی، به معنای ایجاد یک فضای برابری و ایجاد یک دنیای پر از لطف و رحمت است.

شخصیت مرد، بدون زن شخصیت ناقص است.

دین مرد وقتی مکمل می‌شود که در زندگی او زنی حضور داشته باشد.

برای مسلمانان مرگ و زندگی دو مفهوم خاص دارد. برای مسلمان مرگ فنا و از بین رفتن نیست؛ بلکه مرگ برای مسلمان به معنای ادامه حیات جاویدان است و وارد شدن به دور جدید از زندگی ابدی و همیشگی.

نباید به سرنوشت آنانی بی توجّه باشیم که همه هست و بودشان را برای آزادی وطن از دست داده‌اند.

به‌خاطر رسیدن به کمال معنوی و مادّی باید خیلی دقیق و سنجیده گام برداریم.

نظام برادری به‌عنوان یک اصل در جهت امت‌سازی و ملت‌سازی مدنظر پیامبر بود. پیامبر تعلّقات قبیله‌ای را به تعلّقات شهروندی در میان مسلمانان تبدیل کرد و این اولین گام برای ساختن یک جامعه اسلامی بود.

محاذاّزی با کشورها به نفع ما نخواهد بود.

در نظام اسلامی خلیفه، عین حیثیت را دارد که فرد عادی جامعه دارد، در برابر قانون همان جایگاهی را که خلیفه دارد یک شهروند هم دارد، در برابر قضا نیز هردو یکسان است.

عمل نکردن به تعهد، زمامدار را بی اعتبار و نظام‌ها را متزلزل می‌سازد.

تروریزم و دهشت افگنی، امری مخالف با ارزش های دینی است که ما با آن جداً مخالفیم.

ملت ها وقتی می توانند به خود ببالند که مقام دانش را در زندگی خود درک کنند.

از حمّاسه های فراموش ناشدنی تاریخ انسانیت، قیام های بزرگ مردمی است که ملت افغانستان در برابر طاغوت و جباران عصر انجام داده اند.

مجموعه های کوچک نمی توانند در مسیر تحولات فعلی، اثرگذاری داشته باشند. این جاست که باید مجموعه هایی که پراکنده کار می کنند، به صورت هماهنگ کار کنند.

اجازه ندهید بیش از این جنگ و برادرکشی در کشور ادامه یابد، مساجد و مدارس منفجر و علمای دینی و فرماندهان جهاد شهید شوند. باید همه دست به دست هم داده، به این صحنه های دردانگیز و خونین خاتمه بدهیم.

انسان با واقعیت ها باید صحبت بکند، نه با شعارها.

جمعیت در زمینه‌های ارزشی، امنیتی، ملی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی شرط‌هایی دارد، هر که آن‌ها را عمل کند، مورد حمایت آن قرار می‌گیرد.

تا زمانی که اصلاحات سیاسی در یک جامعه به میان نیاید و زعامت سیاسی در یک جامعه صالح نباشد، دیگر همه تلاش‌ها بی‌ثمر خواهد بود.

هم‌بستگی ملی بدون اعتقاد ملی و بدون اعتقاد دینی، به وجود نمی‌آید.

دشمنان اسلام از گذشته‌های دور توطیه‌های زیادی را به راه انداخته‌اند و این توطیه تازه‌ای نیست؛ بلکه ما می‌بینیم از آن روزهای آغازین دعوت اسلامی، منافقان می‌خواستند که حتی در میان یاران پیغمبر و در میان مهاجرین و انصار کشمکش و برخوردی را ایجاد کنند.

توطیه‌هایی که به نام جنگ داخلی در افغانستان نام‌گذاری شده بود. اصلاً جنگ داخلی نبود؛ بلکه آن کشمکش‌ها هم جزیی از توطیه‌های دشمنان اسلام بود.

شهادت آرمان ما و آرمان فرزندان بزرگ جهاد و مقاومّت بود و بناءً اینان نه تنها از مرگ نمی ترسیدند؛ بلکه با شور و شوق و با عشق و ایمان به سوی سنگرهای جهاد و شهادت می شتافتند.

در اسلام، انسان تنها خدا را بنده است، عبودیتِ دیگران را نمی پذیرد.

انسانیت در واقع همانا آزادی اراده و اختیار است.

انسان های بی خاصیت، بی اراده، دنباله رو، متردّد و دودله، منفعت جو، مزدور و اسیر، قادر نیستند که در جهت تکامل فردی و اجتماعی، مصدر کار سازنده و مفید گردند، انسان بی خاصیت هدفی ندارد، راهش مشخص نیست.

انسان های منفعت جو راه مشخصی ندارند، هر جا به دنبال سود می گردند.

عناصر مزدور و برده صفتی که از خود اراده و اختیار ندارند و به اشاره با داران خود می چرخند، همیشه برای خود و اجتماع، مایه ننگ و عارند و خیری از آنها متصور نیست.

انسان‌هایی که حلقهٔ مزدوری و غلامی دیگران را بر گردن نهند، وجدان و ضمیر خود را بفروشند. هرگز از دین‌فروشی و وطن‌فروشی، عاری ندارند.

تنها عناصر وارسته و مصمم و بااراده‌اند که تصمیم می‌گیرند و در میان توفان‌ها شنا می‌کنند، با امواج خشمگین مسئولیت‌ها در می‌آویزند، در دل صخره‌ها راه می‌جویند، حیات شرافت‌مندانهٔ انسانی را در ستیز و مبارزه می‌یابند.

اگر انقلابیون استقلال خود را حفظ نکنند و از خط اصولی انقلاب خویش با پامردی و هوشیاری دفاع نکنند، امکان واردآوردن ضربت بر انقلاب، در هر مرحله و مخصوصاً در دورانی که انقلابیون جهت به‌دست‌آوردنِ نتایج نهایی سخت درگیرند، متصور است.

وابستگی انقلاب‌ها تنها در مرحلهٔ پیروزی باعث انحراف انقلاب و مانع پیاده‌شدنِ آرمان والای انقلابیون نبوده، بلکه در همه مراحل باعث ضربت‌زدن بر انقلاب و درهم‌کوبیدنِ آن می‌گردد.

آزادمردان انقلابی در افغانستان که در راه درهم‌کوبیدن زنجیرهای سنگین کمونیزم و سلطه‌جویی روس‌ها با شور و شوق به

استقبال شهادت شتافتند، دیگر به هیچ کسی اجازه نمی دهند، بار دیگر آنان را در زنجیر وابستگی ها بکشاند.

مفکر ارجمند سید قطب W با قافله دیگری از داعیان حق به منظور نجات بندگان محروم و بی دفاع جام شهادت نوشیدند.

علمای اسلامی در نیم قاره هند، در راه احیای خلافت اسلامی، تلفات سنگینی را متحمل شدند، اندیشمند عالی مقام اسلامی سید ابوالاعلی مودودی W در راه دعوت اسلامی محکوم به اعدام شد.

ملت آزادمنش افغانستان، به حساب از دست دادن دین و آزادی خویش با هیچ کشور و ملتی دوستی نکرده و هرکسی را که خواسته باشد، دوباره این ملت را دنباله رو و وابسته سازد، سرسختانه با او می رزمند.

انقلابیون افغانستان دیگر عناصر بی اراده و دنباله روی نیستند که در میان شان سرمایه گذاری کرد و به زنجیر وابستگی کشاند.

دیگر صفوف انقلابی افغانستان در سنگرهای افتخارآفرین شان، همه جا مستحکم و پولادین است. اگر افراد و آحادی را سراغ

شوند که تسلیم وابستگی شدند، حساب‌شان از انقلاب و مردم مسلمان و انقلابی افغانستان جداست.

رزمندگان مؤمن در انقلاب افغانستان در همه مراحل انقلاب، خود را اصیل و ناب، مستقل و غیروابسته نگهداشته و با همین اراده و ایمان، تا سرحد پیروزی و درهم‌شکستن دشمن، به‌پیش می‌روند.

ما از حلقه‌های توطیه‌گر غربی گله‌ای نداریم؛ زیرا کار ایشان همین است و چنین خواهند کرد و در نتیجه چنین توطیه‌ها، مشتهای محکمی هم توسط ملت‌های به‌پا خاسته خورده و خواهند خورد؛ اما هرگاه چنین کار توسط حلقه‌هایی، در کشورهای اسلامی به عمل آید، مایه تأسف و دل‌سردی می‌گردد.

هرگاه کسی در جهت مقابل اراده ملت قهرمان افغانستان حرکت کند، در حالی که مرتکب گناه و معصیت می‌گردد، با عکس‌العمل جدی مردم روبه‌رو خواهد شد.

مداخله در امور کشورها، به‌نام جهل و بی‌دانشی و فقدان گردانندگان آگاه امور در کشورهای عقب‌مانده، منطقی کهنه و فرسوده استعمار است.

انقلاب ما یتیم و بی کس نیست؛ که به قَیم و سرپرستی نیازی داشته باشد. چنین طرز فکر، اگر در حلقه‌های بیرونی مطرح گردد، اهانتی غیرقابل بخشش است و اگر در میان افغان‌های خود ما سراغ گردد، ذلت، زبونی و بردگی است.

با هجوم سختِ توفانِ مشکلات، عزم و ارادهٔ انقلابیون ما، سست نمی‌گردد.

افرادی که ذهناً به دیگران وابسته‌اند، در همه قضایای فکری، اجتماعی، سیاسی و عملی، طوطی‌وار همان حرفی را تکرار می‌کنند که با داران‌شان به آن‌ها دیکته می‌کنند و برای خود حق نمی‌دهند که در بارهٔ صحت و سُقم آن فکری کنند.

در دوران ما دیگر استعمار کهن، بار و بوریای خود را بسته و از کشورهای «جهان سوّم» - که در گذشته در قید و زنجیر آن قرار داشتند - رانده شده‌است.

زمامداران و احزاب وابسته، لَکّه ننگین، در جبین ملت‌هایند.

قوانین و نظام‌های استعماری، ملت‌های آزاد را بردگان داوطلب استعمارگرانِ آزمند می‌سازد.

زمانی که مسلمانان به قوانین و نظام‌های استعماری اجازه نمی‌دادند که در میان دولت‌های اسلامی پیاده شود، حالت غیر از حالتی بود که فعلاً هست.

وابستگی سیاسی در همه انواع و اشکال آن، عامل عمده بردگی و ذلت ملت‌هاست.

هیچ انسان آزاد و وارسته و هیچ ملت آزاده‌پسند، به خود اجازه نمی‌دهد، بعد از درهم‌شکستن زنجیرهای اسارت نظامی، در دام وابستگی سیاسی اسیر گردد.

هوشیارانه مراقب اوضاع و احوال باید شد؛ تا نشود بار دیگر سیاست‌بازان وابسته، احزاب فرومایه و خودباخته، راه خود را به سوی ملت محروم و رنج‌کشیده ما باز کند.

حصول رضای خداوند و شهادت در راه او، عالی‌ترین آرمان شماست.

شما بر مبنای تعالیم تابناک اسلام مُبارزه می‌کنید، منظورتان به‌دست‌آوردن جاه و جلال، مال و منال، نام و شهرت و لَجه و غنیمت، خودکامگی و هوس‌رانی نیست.

میل به عصیان، شما را از محیط رحمت حق که شامل حال‌تان است، بیرون و در پرتگاه سقوط و خذلان می‌اندازد.

اجازه مدهید زنان و دختران، بدون رضا، رغبت و خواهشِ خود و خانواده‌شان به نکاح گرفته شوند.

در برابر اشتباهات جزیی اجازه مدهید که علیه مردم مسلمان و رنج‌کشیده شما کسی سلاح بکشد.

از نفوذ عناصر ضد انقلاب و دشمنان خدا و خلق، به داخل جبهات‌تان جلوگیری کنید.

بکوشید اسرار جمعیت و اسرار فعالیت‌های جنگی و چریکی‌تان به دشمن نرسد.

گندم و مواد غذایی کسی را بدون اجازه و رضای او مگیرید؛ چه خوردن مال مردم، بدون اجازه‌شان حرام است.

روستاییان را از فروش امتعه‌شان که بدون آن نمی‌توانند، زندگی روزمره خود را ادامه دهند، مانع شوید و اگر در حالاتی، چنین عملی را ضروری تشخیص دادید، حقیقت را به مردم روستاییان بفهمانید، چه آنان آماده‌اند برای پیروزی اسلام از منافع خود درگذرند.

با همه مردم مسلمان و رنج‌دیده، با کمال لطف و مهربانی رفتار کرده و برتری انقلاب اسلامی را در عمل برای آنان ثابت سازید.

با آنانی که به‌خاطر پیروزی اسلام صادقانه عمل می‌کنند، برادروار رفتار کنید.

هم‌بستگی و اتحاد خود را حفظ کنید، چه خداوند رزمندگان متعهدی را که در صفوف، فشرده و مستحکم مُبارزه می‌کنند، دوست دارد.

نمازهای خود را در اوقات آن ادا سازید.

خدا را همیشه یاد کنید.

در نیمه شب‌ها و سحرگاهان، برای پیروزی اسلام با سوز و گداز مشتاقانه دعا کنید.

به علما و روحانیون عمیقاً احترام کنید.

هرگاه ملت‌های مسلمان اسلام را بگذارند، خداوند اسلام را حفظ می‌کند. اگر گروهی از مسلمانان از راه اسلام منحرف شوند، خداوند گروه‌های دیگری را بر می‌گزیند؛ تا از اسلام عزیز دفاع کنند.

بر علما و روحانیون مجاهد لازم است که بر سایر مجاهدین، بر امّی‌ها، کارگران و دهقانان - که با شور و اشتیاق جهت حصول رضای خدا می‌جنگند- و بر آن جوانان روشنفکر - که شکوه و عظمت اسلام- عالی‌ترین آرمان‌شان است، مهربان و دل‌سوز باشند.

قومندانان و سردسته‌های مجاهدین، به آنانی که زیر فرمان‌شان‌اند، معطوف و مهربان باشند.

مجاهدین از اوامر و هدایات فرماندهان خویش اطاعت کنند و همگی از هدایات و دستورهایی که از طرف کادرها و مراکز

رهبری صادر می‌شود، به صورتِ مکمل فرمان برند.

جمعیت از برادران متعهد، پرهیزگار، مخلص و فرمانبردارش تقدیر و تمجید می‌کند و عصیانگر و خودکامه‌ها را حتماً مورد بازپرسی قرار می‌دهد.

همه باید از محاسبه الهی بترسیم، از آن محاسبه‌ای که همه اعمال ما در برابر میزان الهی قرار می‌گیرد.

ما هرگز در برابر سرکوبی نهضت اسلامی، خاموش بوده نمی‌توانیم.

نیروی جوان در تاریخ پرافتخار اسلام، به حیث عظیم‌ترین قدرت سازنده و متحرک معرفتی گردیده‌است.

دگرگونی‌های عظیم در انقلاب‌های اسلامی، توسط نسل جوان آغاز و رهبری شده‌است.

مواضع سیاسی، نظامی و تبلیغاتی جمعیت در راستای اسلام با کیفیت، فعال، مثبت و قاطع اعلام می‌گردد.

ما راهروان راه همان جوانان تاریخ سازیم که طی ادوار مختلف تاریخ، به مبارزات شکوهمندشان فرزندان عالم را از زنجیر زورگویان و دام تزویر گمراهان نجات داده‌اند.

مبارزات فخرآفرین شما در برابر قشون وحشی و خون‌خوار روسیه، یک‌بار دیگر به جهان ثابت کرد که نیروی جوان مسلمان، شکست‌ناپذیر است.

در طول سالیان جهاد، مَشی عَمَلی جمعیت چنین بوده که اگر موالات یا کتاب نفاق نوشتند و هرنوع حرف‌های هرزه و بیهوده‌ای را که ضد ما و ضد جمعیت گفتند، مَشی ما این بوده که قلم نبرداشتیم و چیزی برضد شان نگفتیم، در حالی که اگر ما می‌خواستیم بنویسیم، توانایی نوشتن بیشتر را داشتیم و داریم.

فریاد ما، فریاد سنگر است؛ که نباید بیش از این اجازه داده شود، تا عده تجاوزگر، مانع پیاده‌کردن برنامه‌های سنگرهای جهادی گردد.

تاریخ اسلام مبارزات شما را به‌عنوان عظیم‌ترین پدیده این عصر، در دل خود ثبت می‌کند.

هرگز تاریخ اسلام، آن عده از برادران و خواهرانی را که در سلول‌های هولناک زندان کمونیزم شکنجه شده و دلیرانه مقاومت کرده‌اند، فراموش نمی‌کند.

توانایی و همت والای شما، زاده عقیده و ایمان شماست.

بر شماست که اکسیر اعظم صفا و اخلاص و شعاع جاویدان تقوی و فضیلت را - که سر حقیقی همه پیروزی‌های شما بر دشمن است - حفظ کنید.

دشمنان بیرونی قادر بر سرکوبی مؤمنان نیستند؛ مسلمانان همیشه از داخل شکست می‌خورند، اگر از داخل شکست نخوریم، هجوم دشمن ما را از پای نمی‌اندازد.

هوشیارانه دسیسه‌ها را در نطفه خشی سازید و دستان پلید را قطع کنید.

عدم رعایت نظم حربی، شکست‌هایی را به دنبال دارد. با رعایت نظم و دسپلین کامل، راه رسیدن به پیروزی را کوتاه‌تر سازید.

جمعیت تلاش وسیع و گسترده‌ای را به راه انداخته‌است؛ تا مجاهدین راه حق را با تنظیم و آمادگی خوب‌تری عیار کند، در راه رسیدن به این آرمان، همکاری‌های فردفرد شما کاملاً ضروری‌است.

دشمن می‌خواهد با طولانی‌ساختن جنگ و به کار بستن نیرنگ‌های شیطانی، ملت ما را خسته و درمانده سازد.

با رعایت نظم جنگی و راه‌یافتن هرچه بیشتر به دل‌های مردم زجر دیده‌ کشور خویش، پلان‌های شوم دشمن را بی‌اثر سازید.

انقلاب‌ها فراز و نشیبی دارند، شکست و پیروزی، رنج و راحت، هردو را در بردارند. در شکست مأیوس مگردید و در پیروزی مغرور مشوید.

در پرتو عملی‌ساختن تعالیم والای اسلام در امور مربوط به جهاد، رعایت نظم و دسپلین و بی‌اثرساختن دسایس دشمن، گام‌های مؤثری در جهت رسیدن به پیروزی نهایی بردارید.

هر لحظه‌ای از عمر شما که به آرزوی پیروزی حق بر باطل و یا به دیدار حق تعالی و نیل به مقام عالی شهادت می‌گذرد، لحظات

خوشی است که سُرور و شادمانی را در بردارد.

بیداری ملت‌های زجرکشیده و محروم مسلمان، دشمنان را
سراسیمه و مضطرب ساخته‌است.

امروز امت اسلامی ما در برابر توطیه‌های شوم و خطرناکی قرار
گرفته‌است.

هجوم وحشیانه سفاکان آدم‌خوار روس بر حریم کشور
زجرکشیده ما، دلیل روشن وحشت‌زدگی و سراسیمگی آن بود.

صهیونیست‌ها و کمونیست‌ها و ایادی آنان، همه برای آن است،
تا ملت‌های مسلمان همیشه در زنجیر باشند و قدرت آن را نیابند
که رسالت آسمانی خویش را در جهت نجات بشریت محروم
و سرگردان ادا کند.

اربابان جهان‌خوار از حاکمیت فرمان پروردگار جهانیان، سخت
می‌ترسند.

جنگ میان حق و باطل پدیده‌نوی نیست که تازه، تاریخ جهان به
آن آشنا شده باشند؛ اما آنچه تازگی دارد، وحشت و سراسیمگی

دشمن است.

دشمن دریافته است که زنجیرهای استعماری سیاسی و فرهنگی، اقتصادی و نظامی به دست و پای مسلمانان سنگینی می کند، دیگر تاب تحمّل آن را ندارند، بانک رسای آزادی سلاح آماده باش را به ایشان داده و این اثر پرخطر دشمن را بی قرار و ناآرام ساخته است.

هدف نهایی دشمن محو و نابودی عقیده و فرهنگ والای اسلام در ضمیر امت اسلامی است.

هوای نفس، خودخواهی و غرور، دشمنان مهلک و خطرناکی اند که اگر جلوگیری نشوند، انقلاب را سخت صدمه می زنند.

در میان سیلاب حوادث و در برابر مشکلات عظیم و کمرشکن، آنچه تاب و توان بیشتری به شما عطا می کند، تقوی و اطاعت از فرمان رب الجلیل است.

ماه صیام، ماه تقوی، صبر و استقامت است.

تنها با سلاح برداشتن و با دشمن جنگیدن مسئولیت ما ختم نمی شود، شما باید به عنوان پاسداران صالح و صادق انقلاب اسلامی، در اخلاق و سلوک، ارزش های والای انقلاب اسلامی را تطبیق کنید.

جمعیت اسلامی افغانستان در جهت به هم پیوستن صفوف مجاهدین، تلاش های وسیعی کرده است و هنوز هم در جهت یکپارچه ساختن صفوف، سعی و تلاش می کند.

مسلمانانی که ضمیرشان به یاد حاکمیت قانون خدا می تپد و از فساد سنگین زنجیرهای استعمار، رنج می برند، هرگز نمی توانند تماشاگر و ناظر باشند.

هرگاه ملتی خواست دعوت و طریق خود را در خط اسلام جست و جو کند، باید سدوبند استعمار را در مسیر مستقیم شکسته و با خیلیدن خار کفر در پایش از این حرکت الهی و ثابت باز نیفتد.

صدقه فطر می رساند که ما قبل از آنکه به فکر شادمانی خویش باشیم، باید به کمک گرسنگان بشتابیم و دست بینوایان را بگیریم.

قیام بیست و چهارم حوت، شیپور آزادی، بانگ رسای بیداری و اخگر درخشنده‌ای بود که شراره خشم و نفرت را در برابر جلّادانِ روس، در نهادِ ملت ما شعله‌ور ساخت.

قیام بیست و چهارم حوت، هرات باستان دلیل روشن و برهان قاطع بر جلال و جبروتِ اسلام و عظمت و توانایی مسلمانان است. آنجا که سیل خروشان از فرزندان توحید - زن و مرد، پیر و جوان حتی کودکان معصوم - ابراهیم‌وار به سوی کوره‌های وحشتناک آتش دشمن ریختند و در میان شعله‌های سوزان و امواج خون، پرپرکنان به استقبال شهادت شتافتند.

خاطرات فراموش‌ناشدنی قیام شکوهمند، ۲۴ حوت، هرات در پهنای تاریخ و وجدان ملت ما برای همیشه به یادگار خواهد ماند.

جنبش‌های آزادی‌خواهی که بر مبنای عقیده و ایمان و بر اساس داعیه فطرت شروع شده، هرگز با سرنیزه و تانک و توپ، خاموش نمی‌شود.

دشمنان اسلام، در راه سرکوبی ملت‌های مسلمان متحدند.

مردم را زمانی ما به یاری اسلام فرا خواندیم که مردم در خواب بودند و زمانی که ما به ضد اتحاد شوروی اعلان جهاد کردیم و شمار اندکی بودیم و کسان و افزار نداشتیم.

رمز جاویدانگی آیین انسان‌ساز و نجات‌بخش اسلام، در این است که پیروان مؤمن و متعهد بی‌شمار این دین بزرگ، همیشه در راه دفاع از حریم مقدّس آن، آمادۀ هر نوع ایثار و قربانی و فداکاری‌اند.

گذشت اعصار و قرون و دست تطاول و تجاوز و فتنه و نیرنگ‌های دشمنان نمی‌تواند، آسیبی به این دین پاک و پیروان صادق آن برساند.

در آیین ما، شهیدان، چون مکتب‌شان حیات جایودانی دارند. آنان در ضمیر تاریخ و در وجدان ملت‌ها و از همه مهم‌تر در ملکوت اعلی و در پیشگاه احسن‌الخالقین جاویدانه زنده‌اند.

کشتار زندانی‌های سیاسی، بدون مُحاکمه و مخصوصاً کشتن آن همه زندانی‌هایی که از عهد پیش از کودتای خونین هفت‌ثور، زندانی بودند. جنایتی است که در قاموس بشری نظیر آن کم‌تر دیده می‌شود.

شما ملّتی که استعمار غول پیکر کُهن، از شنیدن نام تان، از یادآوری دلاوری و پیکارجویی و رزمندگی تان، به خود می لرزید، امروز بقایایی همان استعمار با درنده خوئی بیشتر، با حيله و نیرنگ و دسیسه، می خواهد، روح آزادمنشی و صدای آزادی خواهی شما را در گلو خفه سازد.

مسلمان باید جهاد کند؛ تا زنده بماند، پیکار و مبارزه کند؛ تا شرافت و ناموسش حفظ شود، باید سلاح بردارد و در برابر کفر، استعمار و امپریالیزم قیام کند و بجنگد؛ تا آزادی و استقلالش پایدار باشد.

ملّت مسلمان! شما با کافران جهاد کنید؛ تا حاکمیت خدا به میان بیاید.

استعمار و مزدوران آن را از وطن تان برانید، این خاک مسلمان هاست. در این جا باید قرآن حکومت کند، شما در راه خدا به خاطر کسب رضای او جهاد کنید.

اکنون؛ عصر تعیین سرنوشت ملّت های آزادمنش، به دست دیگران گذشته است.

نهضت اسلامی معاصر، فقط عکس العمل شعارهای تند و بی حاصل نیست؛ بلکه زادهٔ جدّ و جهدِ شبانه‌روزی و اخلاص و دل‌سوزی آن پیکارگران مؤمنی است که با دانش و بینش اسلامی، تهداب نخستین جنبش را درست و مستحکم گذاشته‌اند.

رستاخیز عظیم کنونی کشور عزیز ما افغانستان، محصولِ رنج‌های فراوانِ آن فرزندانِ صدیق و والا همتی است که در دورانِ افسردگی، با دلِ دردمند و پرآرمان، ارادهٔ آهنین، ایمانِ مستحکم و نگاهِ ژرف‌بین، برای بیداری ملتِ افسردهٔ خود، بدون غوغا و ریاکاری به فعالیت آغاز، آرام و بی‌صدا؛ اما با تندی گام برمی‌داشتند.

بی‌خبری از پدیده‌های تاریخی، مسلمان را در پرتگاه نابودی و سقوط قرار می‌دهد.

تعلیمات والای اسلام باید از هر مجرای ممکن، راه حاکمیتِ خود را بر دل و دماغ ملتِ مسلمان افغانستان باز کند.

جهاد مؤمنان جهادی است پایان‌ناپذیر که تا سرحد نابودی و از ریشه برکنندنِ باطل پرستان و بیدادگران ادامه می‌یابد.

بنده مؤمن در راه حمایت از حق و عدالت و نابودی باطل پرستی و بیدادگری، از مرگ نمی‌هراسد.

آزادگان؛ مرگ را طریق رسیدن به حیات جاویدانی می‌دانند.

سرسپردگان راه حق و آزادی، در راه رسیدن به آرمان‌های برین خود؛ تا پای جان شجاعانه می‌رزمند و شرافتمندانه جام شهادت را می‌نوشند.

نابودی و شکست قطعی حامیانِ باطل، سنّت الهی و یک اصل لایتغیر است.

جهادِ دایم در راه حق و نابودساختنِ جبارانِ سرکش یک اصل قطعی و ضروری است و در این راه حق‌پرستان آن‌چنان که جبارانِ پلید را نابود می‌کنند، خودشان - نیز - قربانی‌های بی‌شمار می‌دهند.

رسیدن به بام حق و وصول به غایاتِ عالی، در زندگی کار هرناکاره و سست‌مایه نیست.

سَنَتِ لَا یَتَغَيَّرُ الهی است که پیروان حق سرانجام پیروز می شوند.

حبیب الرحمن شهید؛ مسلمان عالی همتی بود که اجازه نمی داد، تعالیم و الای اسلامی و فرهنگ و ثقافتِ ما را استعمارگران نابود کنند.

مُبَارَزَه باید با روحیه سرشار از صدق و اخلاص، اخوت و مَحَبَّت یکجا باشد.

در سازندگی هرچه بهتر و تنظیم بخشیدن هرچه مستحکم تر تنظیم خویش و ایجاد فضای اخوت و هم بستگی در میان هم سنگران خود، بکوشید.

انسان مصدر و منبع اصلی تحولات و نهضت ها است.

تعالیم نجات بخش اسلام متوجّه تغییر و تحوّل انسان بوده و تغییر بنیادی را در انسان به میان می آورد، این قانون و سَنَتِ لایزال الهی است.

حادثه کربلا، نهضت بزرگ در تاریخ جهان و حماسه فراموش ناشدنی تاریخ است.

حادثه کربلا تنها یک حادثه عاطفی نیست؛ بلکه قیام حضرت امام حسین ~ رمز وحدت و یکپارچگی مسلمانهاست.

ما یقین داریم که مرگ - در باور مؤمن - شکستن قفس تنگ زندگی است که به یک فضای بزرگ و ابدیت پرواز می کند.

مرگ برای مؤمن یک نعمت است؛ مثلی که حیات برای او نعمت است و مسلمان باید نعمت حیات و موت، یعنی هردو را قدر بکند.

نظام اسلام از خودسازی و انسان سازی شروع می شود؛ که آن از طریق اقامه نماز به میان می آید و در گام دوم به بهتر شدن وضع اقتصادی و زندگی مردم می پردازد.

امر به معروف به معنای نظارت ملی است.

قرآن کریم از جوانانی یاد می کند که در یک جامعه فاسد، در برابر یک زمامدار ستمگر قرار دارند.

ما عملاً باید نشان بدهیم که اصلاً جنوب و شمال نداریم.

مردم هرات در دوره‌های مبارزات آزادی‌بخش جهاد ملت مسلمان افغانستان، نقش تعیین‌کننده و سازنده داشتند.

در این شکی نیست که میلاد و بعثت پیامبر Y، رحمت برای همه بشریت چه مسلمان و چه غیر مسلمان است.

تاریخ، انسان غیر متدین را نمی‌شناسد.

عمده‌ترین عاملی که اقشار و اقوام مختلف جامعه ما را به هم پیوند می‌زند، دین است.

پیامبر ما، پیامبر نسل جوان بود.

نجات ملت ما نه تنها در مبارزات آزادی‌بخش، که در بازسازی و تشکیل یک ملت قوی و قدرتمند و متکی به ارزش‌های دینی نهفته است.

با آمدن پیامبر Y کرامت انسان به وی اعاده می‌گردد.

با میلاد پیامبر Y خط فاصلی ایجاد می‌گردد.

اعتراف به عزّت و کرامت انسانی، از عمده‌ترین ارزش‌های آن حضرت Y بود.

پیام پیامبر گرامی Y اعلام‌کننده این بود که ارزش انسان بر مبنای طبقات اجتماعی استوار نیست.

رزم‌آوری ملت ما در برابر قشون سرخ، به یقین درخشنده‌ترین دوران در نشیب و فرازهای زندگی مردم این سرزمین است.

زندگی سرفرازانه ملت‌ها در درازای تاریخ بشری، در گرو سربازی‌های حق‌خواهانه آنان است.

ملت بزرگ افغانستان، با حمّاسه‌آفرینی‌های بی‌نظیر خویش، دامان این میهن اسلامی را از ننگ ذلّت و اسارت پاک کردند.

بشریّت، نه تنها در جهان آزاد؛ بلکه در زندان‌های جهان کمونیزم هم به صورت افراد و ملت‌ها، جهت نابود ساختن سرطان کمونیزم، احساس مسئولیت کردند و آواز درهم شکستن زنجیر کمونیزم، از مراکز کمونیستی بلند شد.

صحنه‌های جنایت‌بار و غیرانسانی کمونیزم، بشریت را از خواب غفلت بیدار ساخت.

اکنون دیگر غوغای بیهوده و تبلیغات دروغین ماجراجویان کمونیست، هیچ‌کس را فریب نمی‌دهد.

مردم متدین افغانستان می‌دانند که سوسیالیزم کفر صریح است و آن را تحت هیچ نامی قبول ندارند.

نام‌گذاری سوسیالیزم، به نام «سوسیالیزم اسلامی» اهانت به اسلام و کفر است و هرکسی که مرتکب چنین جنایتی شود، دشمن دین، تاریخ، وطن و مردم افغانستان است.

فتح استانبول در تاریخ اسلام، یکی از بزرگ‌ترین پدیده‌های تاریخی است و سلطان محمد، فاتح آن از بزرگ‌ترین مردان تاریخ اسلام است.

در دوران خلافت عثمانی، نه تنها مسلمانان جهان احساس امنیت و آرامش می‌کردند؛ بلکه چه بسا از ملت‌های مستضعف پیروان ادیان دیگر، از این نعمت بهره‌مند بودند.

ما یقین داریم، مَلّت قهرمان تُرک، به عنوان سپاهیان صلح در جهان و بازوان پُرتوان اسلام و حمایت گران مخلص مستضعفان، بار دیگر نقش تاریخی خویش را انجام خواهند داد.

باید بدانیم که تنها جنگ بحران نیست، جنگ یکی از اشکال بحران است.

آخرین زبان سیاست، جنگ است.

افتخار دفاع از افغانستان، مثل افتخار جهاد از کشور، مربوط به همه است، مربوط به شمال و جنوب و به همه مَلّت افغانستان است.

امروز دنیا به عنوان یک قریه تبدیل شده است، هیچ کشور و مَلّتی نمی تواند جدا از دنیا زندگی کند.

باید ما در همه مسایل دنیا با هم سهم بگیریم و مَلّت ها یکجا با جهان حرکت کنند و کشورها هم باید با جهان هماهنگ حرکت کنند.

بدون شک تاریخ مشترک، کشور مشترک، عقیده مشترک، آرمان و اهداف مشترک، مشکلات مشترک، این همه بنیاد وحدت ملی را تشکیل می دهند.

عقیده و دین مشترک، اساس وحدت ملی ما را تشکیل می دهد.

ملت ها بر اساس یک سلسله نهادها، بنیادهای فکری، ذهنی و اعتقادی تشکیل می شود.

ما در افغانستان به یک ملت متحد نیاز داریم؛ تا یک دولت متحد و قدرتمند داشته باشیم.

هزاره و ازبک، پشتون و تاجیک، بلوچ و نورستانی، پشه ای و تمام ملیت ها در افغانستان، مشترکات و ارزش هایی دارند که بر مبنای آن همه در یک صف و سنگر و در یک جهت قرار دارند.

حرکتی را که به سوی فردای روشن می کنیم، باید بر مبنای هویت ملی و دینی در افغانستان باشد؛ تا ملت را به عنوان یک ملت واحد شکل دهد.

سخنانی از: مرشد روشن ضمیر / ۱۳۰

کرامت انسانی از اساس و اهداف دین است.

حفظ خون انسان یک اصل اساسی در دین است.

حفظ کرامت انسان که خدا او را مکرم و عزیز آفریده، یکی از اصول اساسی دین است.

دین آمده است، تا از کرامت، عزّت و شرف انسان دفاع بکند.

دین آمده است، تا انسان باید آزاد زندگی بکند.

مسئله جامعه مدنی برای ما مسلمانان تازگی ندارد.

تعلیم برای ما یک فریضه است.

ما از جهانی شدن نمی ترسیم؛ اما از ظلم می ترسیم.

جهانی شدن را استقبال می کنیم؛ اما مظلوم شدن را تأیید نمی کنیم.

جهانی شدن را استقبال می کنیم؛ اما سرکوبی آزادی، کرامت انسانی و این ها را نمی خواهیم.

جهانی شدن را استقبال می کنیم؛ اما محروم ماندن محروم ها، فقیر شدن فقیرها مورد پذیرش ما نیست.

زمین ها و زراعت مان باید درست مکانیزه شود؛ تا بتوانیم حاصل خوب برداریم.

افغانستان یک کشور زراعتی است؛ ولی این طور نیست که ما همیشه فقط زراعتی بمانیم؛ چون کشورها را خداوند همیشه زراعتی و یا اقتصادی پیدا نکرده؛ بلکه استعداد صنعت را برای شان داده که می شود یک کشور امکانات زراعتی زیادی را هم داشته باشد؛ ولی امکانات اقتصادی صنعتی شدن را هم دارد.

من به این عقیده ام که در کشور ما با وجودی که ویرانی های زیادی شده، چند چیز را داریم که می توانیم که به وسیله آن زود افغانستان را بسازیم، یکی آن اینکه افغان ها زیاد نیروی کار دارند و شوق کار را هم دارند.

منابعی در کشور هست که باید استخراج شود. البته در مرحله استخراج کردنش به کمک های خارجی ضرورت داریم.

باید از عناصر ملی و مردمی خود استفاده بکنیم.

برویم برای خود یک پلان داخلی جور بکنیم، البته وحدت و برادری را اساس کار خود بگذاریم.

برنامه که کامل نباشد، کار به درستی به پیش نمی‌رود.

هیچ انسانی بر مبنای فطرتش نمی‌تواند که بی‌دین باشد.

زمانی که انسان از محیط دینی دور گردد، بدبختی‌ها و مصیبت‌های بزرگی، دامن‌گیر وی و جامعه انسانی می‌گردد.

باید از نزدیک جریان‌های ملی و بین‌المللی را در نظر داشته باشیم، متوجه باشیم که هیچ‌کسی از جمع ما پای خود را کج نگذارد.

به نسل جوان خود اطمینان می‌دهیم که اسلام باعث سرافرازی، عزّت و افتخار شماست.

این دینی است که باید با چنگ و دندان، آن را محکم بگیرد و اجازه مدهی که هیچ‌نوع انحراف و کشیدگی به میان بیاید.

اسلام دشمن آشتی ناپذیر با تروریزم است.

اسلام بزرگ‌ترین حامی علم، دانش و آزادی است.

اسلام برای انسان جز سعادت و صلح، چیز دیگری نمی‌خواهد.

مسلمانان برای همه ملل دل‌سوزند.

در دنیا تنها پناهگاه یهودی‌ها جهان اسلام بود. مسلمانان یهودی‌ها را به‌عنوان اهل دین به‌نام پیروان حضرت موسی 4 و تورات در بلاد خویش جای داده بودند.

هرگاه اسلام را پیاده بسازیم، نباید احساس کم‌تری کنیم. باید احساس عزّت و احساس عفت بکنیم.

مجاهدین عزیز نباید خون شهدای عزیزشان را نادیده بگیرند.

طالبان واقعی جنایت‌کار نبودند؛ اهل مدرسه و اهل علم جنایت‌کار نیست.

جهان به ارتباط قضایای افغانستان پیش از هرچیز باید به اراده ملی ما احترام بگذارد و نباید تحت هیچ نام و عنوانی، در امور کشور ما مداخله صورت بگیرد.

انحراف شخص باعث تباهی اجتماع انسانی می گردد.

اگر انسان مطابق با برنامه الهی تربیه شود، دیگر کشمکش‌ها، برخوردها و جنگ‌ها در جامعه بشری به وجود نمی‌آید.

دین برای حفظ جان انسان آمده؛ که به ناحق کشته نشود.

تمام قهرمانان ملی ما، قهرمانان مسلمانی بوده‌اند که به نام خدا و به نام دین خدا قیام کرده‌اند.

مطمینیم که جمعیت اسلامی قسمی که در دوران انقلاب اسلامی مان با ایثار و قربانی‌های بی‌دریغ، پرچمدار جهاد مخلصانه بود، بعد از این هم با اخلاص و صداقت، صبر و استقامت، از ره‌آوردهای انقلاب پاسداری خواهند کرد.

کوه‌پایه‌های افغانستان و دره‌های مردخیز کشورمان، در ابعاد مختلف شخصیت‌های بزرگی را تقدیم جامعه انسانی کرده‌است.

ماه مبارک رمضان، ما تزکیه نفس، ماه استقامت و آزمایش وجدانی و بدنی، ماه فیض و برکت و ماهی است که در آن قرآن عظیم الشان نزول یافته است.

ما به جنگ آزادی خواهی دست زده ایم، ایمان مؤثرترین وسیله ماست.

رزم جویان مؤمنی که در روشنائی تعالیم تابناک قرآن می رزمند، هرگز به ذلت و بندگی نیروهای استعمارگر تسلیم نمی شوند.

این منطق فرسوده و منفور استعمارگران قدیم و جدید است که مداخله در امور کشورهای محکوم و ضعیف را حق مسلم خود دانسته و به آسانی دست و دندان خون آشام خود را از جسد لاغر این ملت ها دور نکرده و مذبوحانه تلاش می کند، از راه زُعما و رژیم های تحمیلی، از منافع شوم و استعماری خود حمایت کنند.

حکومت های دست نشانده را ملت افغان در طی تاریخ همیشه رد کرده اند.

ملت مسلمان افغانستان نظام فاسد را با قاطعیت رد نموده و بار دیگر اجازه نمی‌دهد که مشتی از عناصر عیاش و بی‌کفایت، علی‌رغم خواسته آنان، ادارهٔ امورشان را به‌دست گیرند.

آن روزها دیگر گذشت که عناصر فاسد و بی‌بندوبار بر ما حکومت کنند و راه غارت‌گری و استعمار اجانب را به‌روی ملت دردمند و بلادیدهٔ ما هموار کنند.

دیگر آن لکه‌های سیاه تاریخ را اجازه نمی‌دهیم که چهرهٔ تاریخ معاصر ملت ما را لکه‌دار سازند.

ابر قدرت‌های استعمارگر باید در برابر ارادهٔ قاطعانهٔ ملت افغانستان تسلیم شوند.

ملتی که ده‌ها هزار قربانی داده، ملتی که در راه پاسداری از مقدّسات دینی، تاریخ و فرهنگ و آزادی خویش غرق در خون شده‌است، دیگر نمی‌خواهند خارجیان روی منطق استعماری خویش، به‌نام حل مشکل سیاسی، نوکران خود را بر آنان تحمیل کنند.

ملت بی دفاع ما که با دست خالی، با وحشتناک ترین سلاح عصر حاضر، مقاومت کرده، توانایی آن را دارد که مقدرات اداری خود را به دست خود بگیرد.

جنبش های انقلابی اسلامی می خواهند آخرین غبار استعمار را از چهره ملت های مُستضعف مسلمان بزدایند.

دیگر جای به رژیم های تحمیلی باقی نمانده است.

دیگر عصر وصایت های استعماری گذشته است.

توصیه من به شما جوانان این است که باید با شور و شوق کار خود را به پیش برید، باید حلقه وصل تمام جوانان و مردم خود شوید و یک بافت زنجیری در جامعه خود ایجاد کنید.

همه افتخارات بزرگ جهادی و تاریخی ملت افغانستان، مرهون قیام های خونین مسلمانان این کشور است.

نباید به خاطر اشتباه یک عده افراد، تمام کسانی را که وجیه دینی و ملی شان را در راه دفاع از آزادی و استقلال انجام داده اند، مقصر بدانیم.

آزادی بیان این را نمی‌رساند که به دین و مقدّسات مذهبی کشور و ملی بی‌حرمتی صورت بگیرد.

ما روش اعتدال را در همه عرصه‌های سیاست حزبی و تشکیلاتی و فرهنگی خویش به‌عنوان اصل قبول کرده‌ایم و همواره مخالف تشدّد و افراط‌گرایی در اسلامیم.

شیوۀ جمعیت همیشه و در همهٔ امور، در عرصه‌های فکری و فرهنگی و مسایل ملی و بین‌المللی، اعتدال و عدم تشدّد بوده‌است.

شورای اهل حل و عقد، از مرامی‌ترین شوراهای افغانستان بوده‌است.

پیش از پرداختن به فعالیت‌های مسلحانه، باید به فعالیت‌های فکری و فرهنگی اقدام شود.

وجود جمعیت اسلامی افغانستان به منافع و مصالح کشور سودمند است؛ زیرا اساس جمعیت اسلامی را سیاست منطقی و اسلامی تشکیل می‌دهد.

کسانی که از جمعیت جدا شده‌اند، علت انشعاب آنان انگیزه فردی و شخصی دارد.

پاسداری از مرزها و امنیت کشورمان را خودمان باید تأمین کنیم.

سعی کنیم اردوی ملی و پولیس ملی خود را داشته باشیم.

تاریخ ملت افغانستان نشان می‌دهد که این ملت توانایی و صلاحیت دفاع از کشورش را دارد.

ما در دوران دولت اسلامی، در کارهای خودمان منصفانه عمل کرده‌ایم.

نباید کادرهای داخلی را به‌خاطر اینکه در خارج تحصیل و یا زندگی نکرده‌اند، از وظایف‌شان سبک‌دوش کنیم.

بهترین تجلیل از شهدا، تلاش در جهت تحقق آرمان‌های آنان است.

دولت مجاهدین هم مشروعیت انقلابی داشت و هم مشروعیت مردمی.

مردم به عنوان نماینده پارلمان به هرکسی که رأی داده‌اند؛ باید ما به اراده آنان احترام بگذاریم.

نیروهای بین‌المللی به افغانستان به فیصله جهانی و طبق منافع ملی افغانستان آمده‌اند؛ اما پس از این باید در مورد ادامه حضور آنان بازنگری شود.

حل مسئله شرق میانه به حل عادلانه مسئله ملت مظلوم فلسطین و روشن شدن سرنوشت مسجد اقصی قبله مسلمانان بستگی دارد.

احزاب سیاسی نباید برای اهداف دیگران ساخته شود؛ بلکه برای تحقق بخشیدن به منافع ملی کشور تلاش کنند.

ن باید ما به احزاب کوچک تقسیم شویم.

احزاب با وجود اختلاف برنامه‌های‌شان، باید برای منافع ملی و اهداف ملی، دارای پلات‌فرم‌های واحد باشند.

وقتی دولت‌ها مورد تهاجم قرا می‌گیرند، برای دفاع از مصالح و منافع کشور، باید دست به سلاح ببرند.

در مورد خط دیورند باید مردم افغانستان تصمیم بگیرند، به گونه‌ای که منافع هر دو کشور و حقوق مردم افغانستان تأمین شود.

جمعیت اسلامی افغانستان به عنوان یک جریان سیاسی آناً به وجود نیامده است؛ بلکه مراحل تأسیس و جمع کردن شخصیت‌ها را طی نموده است و نخستین فعالیت‌هایش را از فاکولته شرعیات و مدرسه ابوحنیفه آغاز کرده است.

برداشت جمعیت اسلامی افغانستان از آغاز این بوده است که اسلام نظامی است معتدل و راهی است میان افراط و تفریط.

روابط نیک با همسایگان به امنیت و ثبات کمک خواهد کرد.

ما هیچ‌گاه طرفدار ظلم نبوده‌ایم؛ بلکه همواره در پی تطبیق عدالت بودیم و هستیم.

همه افتخارات بزرگ جهادی و تاریخی ملت افغانستان، مرهون قیام‌های خونین مسلمانان این کشور است.

ما در برابر یک تهاجم فرهنگی ظالمانه و بی‌رحمانه‌ای قرار داریم که همه ارزش‌ها و دستاوردهای دینی و ملی مان را - که روزی لقب معجزه قرن را از آن خود کرده بود- به چالش گرفته است.

در این جا، دست‌هایی وجود دارند که می‌خواهند همه ارزش‌هایی را که محصول خون ملیون‌ها شهید و معلول این سرزمین است؛ یک‌سره زیر سوال قرار بدهند. افتخارات ما را به‌عنوان جنایات و اشتباهات جبران‌ناپذیر تلقی کنند.

در راه دفاع از آزادی و استقلال و ارزش‌های دینی و ملی؛ قیام‌های فراموش‌ناشدنی‌ای مانند: قیام سوّم و بیست و چهارم حوت صورت گرفته است که ما باید آن را همیشه گرامی بداریم و فراموش نکنیم.

از کوچک‌ترین تا بزرگ‌ترین مشکلات ما به اساس دین می‌تواند حل گردد.

منابع و رویکردها

۱. آموختنی‌هایی در مسیر انقلاب اسلامی؛
۲. چه نوع مُبارزه؟
۳. محمد Y نخستین مربی و آموزگار بشریت؛
۴. سکوت وحشتناک؛
۵. اسقلائیّت انقلاب؛
۶. خط رهبر جلد اوّل؛
۷. خط رهبر جلد دوّم؛
۸. خط رهبر جلد سوّم؛
۹. خط رهبر جلد چهارم؛
۱۰. خط رهبر جلد پنجم؛
۱۱. همگام خورشید؛
۱۲. قیام توفنده در قلب کشور؛
۱۳. یادی از دو شهید؛

۱۴. پیغام رهبر جلد اوّل؛
۱۵. پیغام رهبر، جلد دوّم؛
۱۶. نگاهی به آثاری از استاد شهید، جلد اوّل؛
۱۷. هفته نامه مجاهد؛
۱۸. مجله میثاق خون؛
۱۹. انقلاب و مسئولیت های ما، متن سخنرانی؛
۲۰. اسلام و سوسیالیزم؛
۲۱. نقش جوانان در تحولات جامعه، متن سخنرانی؛
۲۲. شهید و نقش آن در سازندگی تاریخ، متن سخنرانی؛
۲۳. مواد مخدر دشمن سلامتی انسان است، متن سخنرانی؛
۲۴. بیانات پروفیسور برهان الدین ربانی رئیس دولت اسلامی افغانستان؛
۲۵. متن بیانیه پروفیسور برهان الدین ربانی رئیس شورای رهبری و رئیس دولت اسلامی افغانستان در جلسه افتتاحیه شورای اهل حل و عقد.